

Deutsch

B1

آموزش زبان آلمانی سطح B1

گرامر کامل، واژگان موضوعی، کالوکیشن‌ها، اصطلاحات، متن‌ها و جمله‌های کاربردی
همراه با تمرین، پاسخ‌نامه و ۷۲ فلش‌کارت قابل چاپ

Das komplette Lernheft für Persischsprachige

نمونه پاسخ آزمون گوته

۳۰ اصطلاح

۲۱۶ واژه در ۱۲ موضوع

۱۶ درس گرامر



فهرست مطالب

روی هر عنوان بزنید تا مستقیم به همان صفحه بروید.

۴۲	ترکیب‌های رایج (کالوکیشن‌ها)	۲	پیش از شروع
۴۲	ترکیب اسم و فعل	۴	گرامر سطح B1
۴۳	صفت + حرف اضافه	۴	گذشته در آلمانی: Präteritum یا Perfekt؟
۴۳	haben یا nehmen؟	۷	ماضی بعید و آینده
۴۵	اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها	۸	جمله وابسته و جای فعل
۴۸	متن‌های خواندنی	۱۰	حروف ربط زمانی
۴۸	ایمیل ندا از کلن	۱۱	بیان هدف: damit, um ... zu و دوستانش
۴۹	دورکاری: رؤیا یا کابوس؟	۱۲	جمله موصولی (که)
۵۰	بچه‌ها از چند سالگی گوشی داشته باشند؟	۱۳	وجه التزامی دوم: آرزو، فرض و ادب
۵۱	تفکیک زباله در آلمان	۱۵	مجهول
۵۲	راهنمای آزمون خواندن و شنیدن	۱۶	صرف صفت
۵۳	جمله‌های کاربردی، مکالمه و نوشتن	۱۷	مقایسه: تر و ترین
۵۳	جمله‌های آماده (Redemittel)	۱۹	حالت اضافی و حروف اضافه Genitiv
۵۴	آزمون شفاهی، بخش اول: برنامه‌ریزی مشترک	۲۰	فعل‌های همراه با حرف اضافه
۵۵	آزمون شفاهی، بخش دوم: ارائه یک موضوع	۲۱	فعل‌های انعکاسی
۵۶	آزمون شفاهی، بخش سوم: بازخورد و سؤال	۲۲	کلمات ربط: نقشه کامل جای فعل
۵۶	نوشتن، بخش اول: ایمیل دوستانه	۲۴	مصدر با zu و فعل lassen
۵۷	نوشتن، بخش دوم: نظر در فروم	۲۵	ترتیب کلمات، جای nicht و صرف اسامی n
۵۸	نوشتن، بخش سوم: ایمیل رسمی	۲۷	واژگان موضوعی
۶۰	اشتباهات رایج فارسی‌زبان‌ها	۲۷	خانه و مسکن
۶۰	تلفظ: صداهایی که در فارسی نداریم	۲۸	کار و شغل
۶۲	پاسخ تمرین‌ها	۲۹	سلامت و پزشکی
۶۴	فلش‌کارت‌های آموزشی	۳۰	سفر و حمل‌ونقل
		۳۲	خرید و مصرف
		۳۳	محیط زیست
		۳۴	رسانه و فناوری
		۳۵	اوقات فراغت و فرهنگ
		۳۶	روابط و احساسات
		۳۸	اداره، بانک و کارهای اداری
		۳۹	غذا و رستوران
		۴۰	تحصیل و دانشگاه

پیش از شروع

این کتابچه برای فارسی‌زبان‌هایی نوشته شده که سطح A2 را پشت سر گذاشته‌اند و حالا می‌خواهند به سطح B1 برسند؛ چه برای آزمون Goethe-Zertifikat B1، چه برای Ausbildung، کار یا زندگی در آلمان و اتریش. همه توضیحات به فارسی است و هر جا ساختار آلمانی با فارسی شباهت یا تفاوت مهمی دارد، در کادرهای ویژه فارسی‌زبان‌ها به آن اشاره شده است.

♦ سطح B1 یعنی چه؟

طبق چارچوب مشترک اروپایی زبان‌ها، کسی که در سطح B1 است می‌تواند:

- نکات اصلی یک متن یا مکالمه روشن درباره موضوعات آشنا (کار، مدرسه، اوقات فراغت) را بفهمد؛
- در بیشتر موقعیت‌های سفر و زندگی روزمره گلیم خودش را از آب بیرون بکشد؛
- درباره تجربه‌ها، رؤیاها، برنامه‌ها و نظرهایش متنی ساده و منسجم بنویسد و برای نظرش دلیل بیاورد.

♦ آزمون Goethe-Zertifikat B1 در یک نگاه

مهارت	زمان	ساختار	حد نصاب
خواندن (Lesen)	۶۵ دقیقه	۵ بخش، ۳۰ سؤال	۶۰ از ۱۰۰
شنیدن (Hören)	حدود ۴۰ دقیقه	۴ بخش، ۳۰ سؤال	۶۰ از ۱۰۰
نوشتن (Schreiben)	۶۰ دقیقه	۳ بخش: ایمیل دوستانه، نظر در فروم، ایمیل رسمی	۶۰ از ۱۰۰
صحبت کردن (Sprechen)	حدود ۱۵ دقیقه (دو نفره)	۳ بخش: برنامه‌ریزی، ارائه، بازخورد و سؤال	۶۰ از ۱۰۰

🎯 نکته آزمون

آزمون گوته B1 «مدولار» است: هر مهارت جداگانه نمره می‌گیرد و اگر در یک بخش قبول نشوید، می‌توانید فقط همان بخش را دوباره امتحان دهید. پیش از ثبت‌نام، زمان، هزینه و محل آزمون را از سایت رسمی Goethe-Institut یا مرکز آزمون مجاز بررسی کنید.

♦ چطور از این کتابچه استفاده کنم؟

بخش	چه چیزی دارد	چطور بخوانم
۱. گرامر	۱۶ درس کامل با جدول، مثال و تمرین	هر روز یک درس؛ تمرین را بدون نگاه به توضیح حل کنید
۲. واژگان	۲۱۶ واژه در ۱۲ موضوع آزمون	روزی ۱۵ واژه؛ همیشه با حرف تعریف و مثال
۳. کالوکیشن‌ها	ترکیب‌های ثابت اسم-فعل و صفت-حرف اضافه	در نوشتن و صحبت آگاهانه از آن‌ها استفاده کنید
۴. اصطلاحات	۳۰ اصطلاح با معادل فارسی	برای فهم متن و شنیدن؛ با تصویر ذهنی حفظ کنید
۵. متن‌ها	۴ متن به سبک آزمون + سؤال	اول بدون واژه‌نامه، بعد با واژه‌نامه
۶. مکالمه و نوشتن	جمله‌های آماده و نمونه‌پاسخ آزمون	نمونه‌ها را بلند بخوانید و با موضوع خودتان بازنویسی کنید
۷. اشتباهات رایج	تله‌های مخصوص فارسی‌زبان‌ها	قبل از آزمون یک بار مرور کنید

بخش	چه چیزی دارد	چطور بخوانم
فلش کارتها	۷۲ کارت دورو برای چاپ	چاپ دورو، برش و مرور روزانه

♦ برنامه پیشنهادی ۸ هفته‌ای

هفته	گرامر	واژگان و مهارت
۱	درس ۱ و ۲ (زمان‌های گذشته و آینده)	خانه، کار · خواندن متن ۱
۲	درس ۳ تا ۵ (جمله وابسته)	سلامت، سفر · جمله‌های آماده
۳	درس ۶ و ۷ (موصولی، Konjunktiv II)	خرید، محیط زیست · نوشتن ایمیل دوستانه
۴	درس ۸ و ۹ (مجهول، صرف صفت)	رسانه، فراغت · خواندن متن ۲
۵	درس ۱۰ و ۱۱ (مقایسه، Genitiv)	روابط، اداره · نوشتن نظر در فروم
۶	درس ۱۲ و ۱۳ (فعل + حرف اضافه، انعکاسی)	غذا، تحصیل · کالوکیشن‌ها
۷	درس ۱۴ تا ۱۶ (کلمات ربط، zu، ترتیب جمله)	اصطلاحات · برنامه‌ریزی مشترک و ارائه
۸	مرور اشتباهات رایج و همه تمرین‌ها	متن ۳ و ۴ · ایمیل رسمی · یک آزمون نمونه کامل

🇮🇷 آلمانی و فارسی؛ دو خویشاوند دور

شاید باورتان نشود، اما آلمانی و فارسی هر دو از خانواده زبان‌های هندواروپایی هستند و کلمات هم‌ریشه جالبی دارند: Bruder (برادر)، Mutter (مادر)، Vater (پدر)، Tochter (دختر)، Name (نام)، neu (نو)، Stern (ستاره)، Tür (در)، zwei (دو)، drei (سه) و حتی ist (است). شما از چیزی که فکر می‌کنید به آلمانی نزدیک‌ترید!

گرامر سطح B1

Grammatik



شانزده درس که کل گرامر لازم برای سطح B1 را پوشش می‌دهد: از زمان‌های گذشته تا جمله موصولی، مجهول و وجه التزامی. هر درس با جدول، مثال‌های ترجمه‌شده و یک تمرین کوتاه همراه است.



گذشته در آلمانی: Präteritum یا Perfekt؟

Perfekt und Präteritum

۱

در سطح A2 با Perfekt آشنا شده‌اید. در B1 باید بدانید کجا از کدام زمان استفاده کنید و فرم Präteritum فعل‌های پرکاربرد را بشناسید، چون در متن‌های بخش Lesen آزمون مدام تکرار می‌شوند.

Präteritum	Perfekt
نوشتار رسمی، داستان، خبر، کتاب	کاربرد اصلی
یک فعل صرف‌شده (مثل ging, machte)	ساختار
Er öffnete die Tür und ging hinaus.	مثال
	Ich habe gestern Pizza gegessen.

◆ Perfekt با sein یا haben؟

بیشتر فعل‌ها با haben می‌آیند. sein برای این‌هاست:

- فعل‌های حرکت از جایی به جای دیگر: gehen, fahren, fliegen, kommen, laufen, reisen
- فعل‌های تغییر حالت: aufstehen, einschlafen, aufwachen, werden, sterben, wachsen
- چند فعل استثنا: sein, bleiben, passieren, begegnen

نکته

اگر فعل «حرکت» دارد ولی مفعول مستقیم می‌گیرد، معمولاً با haben می‌آید: Ich bin nach Köln gefahren. (رفتم) اما Ich habe das Auto in die Garage gefahren. (ماشین را بردم).

◆ ساخت Partizip II در یک نگاه

نوع فعل	قاعده	مثال
باقاعده	ge- ... -t	kaufen → gekauft, machen → gemacht

نوع فعل	قاعده	مثال
بی قاعده	ge- ... -en (اغلب با تغییر حرف صدادار)	schreiben → geschrieben finden → gefunden
جداشدنی	ge- بین پیشوند و فعل	aufmachen → aufgemacht einkaufen → eingekauft
جداشدنی (be-, ver-, er-, ent-, emp-, -ge-, miss-, zer)	بدون ge-	besuchen → besucht verstehen → verstanden
پایان یافته به -ieren	بدون ge-	studieren → studiert telefonieren → telefoniert

♦ Präteritum فعل‌های با قاعده و بی قاعده

فعل با قاعده: ریشه + -te → machen → machte. شناسه‌ها:

مصدر	با قاعده machen	بی قاعده gehen	sein	haben	können
ich	machte	ging	war	hatte	konnte
du	machtest	gingst	warst	hattest	konntest
er/sie/es	machte	ging	war	hatte	konnte
wir	machten	gingen	waren	hatten	konnten
ihr	machtet	gingt	wart	hattet	konntet
sie/Sie	machten	gingen	waren	hatten	konnten

🎯 نکته آزمون

در گفتار هم برای haben, sein, فعل‌های مُدال (konnte, musste, wollte, durfte, sollte) و es gab تقریباً همیشه از Präteritum استفاده می‌شود. Ich war gestern krank. طبیعی‌تر از Ich bin gestern krank gewesen. است.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

Perfekt از نظر ساختار شبیه ماضی نقلی فارسی است (خورده‌ام)، ولی معنایش در گفتار همان گذشته ساده است. Ich habe gegessen. یعنی «غذا خوردم»، نه لزوماً «خورده‌ام».

♦ جدول ۳۶ فعل بی قاعده پرکاربرد B1

مصدر	Präteritum	Perfekt	معنی
sein	war	ist gewesen	بودن
haben	hatte	hat gehabt	داشتن
werden	wurde	ist geworden	شدن

مصدر	Präteritum	Perfekt	معنی
gehen	ging	ist gegangen	رفتن
kommen	kam	ist gekommen	آمدن
fahren	fuhr	ist gefahren	رانندگی کردن، رفتن (با وسیله)
fliegen	flog	ist geflogen	پرواز کردن
bleiben	blieb	ist geblieben	ماندن
laufen	lief	ist gelaufen	دویدن، پیاده رفتن
sehen	sah	hat gesehen	دیدن
finden	fand	hat gefunden	پیدا کردن
nehmen	nahm	hat genommen	برداشتن، گرفتن
geben	gab	hat gegeben	دادن
sprechen	sprach	hat gesprochen	صحبت کردن
schreiben	schrieb	hat geschrieben	نوشتن
lesen	las	hat gelesen	خواندن
essen	aß	hat gegessen	خوردن
trinken	trank	hat getrunken	نوشیدن
helfen	half	hat geholfen	کمک کردن
treffen	traf	hat getroffen	ملاقات کردن
beginnen	begann	hat begonnen	شروع کردن
verlieren	verlor	hat verloren	گم کردن، باختن
vergessen	vergaß	hat vergessen	فراموش کردن
verstehen	verstand	hat verstanden	فهمیدن
denken	dachte	hat gedacht	فکر کردن
bringen	brachte	hat gebracht	آوردن
wissen	wusste	hat gewusst	دانستن
stehen	stand	hat gestanden	ایستادن
liegen	lag	hat gelegen	دراز کشیدن، قرار داشتن
sitzen	saß	hat gesessen	نشستن
schlafen	schlief	hat geschlafen	خوابیدن
rufen	rief	hat gerufen	صدا زدن
tun	tat	hat getan	انجام دادن
ziehen	zog	hat/ist gezogen	کشیدن / نقل مکان کردن
steigen	stieg	ist gestiegen	بالا رفتن، سوار شدن
sterben	starb	ist gestorben	مردن

👉 تمرین ۱ – جای خالی را با Perfekt یا Präteritum پر کنید.

1. Ich _____ gestern sehr spät nach Hause _____. (kommen – Perfekt)
2. Wir _____ den Film schon _____. (sehen – Perfekt)
3. Er _____ drei Jahre in Berlin Informatik _____. (studieren – Perfekt)
4. Als Kind _____ ich nicht schwimmen. (können – Präteritum)
5. Wann _____ du heute Morgen _____? (aufstehen – Perfekt)
6. Letztes Jahr _____ es in Teheran viel Schnee. (geben – Präteritum)

ماضی بعید و آینده

Plusquamperfekt, Futur I und II

۲

◆ Plusquamperfekt: گذشته قبل از گذشته

وقتی دو اتفاق در گذشته داریم و می‌خواهیم نشان دهیم کدام **زودتر** رخ داده، اتفاق قدیمی‌تر را با Plusquamperfekt می‌گوییم.

ساختار: Partizip II + (Präteritum) hatte / war

Als ich am Bahnhof ankam, **war** der Zug schon **abgefahren**.

وقتی به ایستگاه رسیدم، قطار رفته بود.

Nachdem sie die Prüfung **bestanden hatte**, machte sie eine große Party.

بعد از این‌که امتحان را قبول شده بود، جشن بزرگی گرفت.

Ich **hatte** das Buch schon **gelesen**, deshalb kannte ich das Ende.

کتاب را قبلاً خوانده بودم، به همین خاطر پایانش را می‌دانستم.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

خبر خوب: Plusquamperfekt دقیقاً همان **ماضی بعید** فارسی است (رفته بود، خوانده بودم). کاربردشان تقریباً یکی است.

◆ Futur I: آینده، پیش‌بینی، قول و حدس

ساختار: werden (صرف‌شده) + مصدر در آخر جمله

کاربرد	مثال	ترجمه
پیش‌بینی	Morgen wird es regnen.	فردا باران خواهد بارید.
قول یا تصمیم قاطع	Ich werde dir helfen, versprochen!	کمکت خواهم کرد، قول می‌دهم!
حدس دربارهٔ حال (با wohl)	Er wird wohl krank sein.	احتمالاً مریض است.
برنامهٔ آینده	Nächstes Jahr werde ich in Deutschland studieren.	سال بعد در آلمان درس خواهم خواند.

در گفتار، برای آینده معمولاً از زمان حال + قید زمان استفاده می‌شود: Morgen fahre ich nach Hamburg. استفاده زیاد از werden جمله شما را رسمی و خشک می‌کند.

♦ Futur II (فقط برای شناختن)

کاری که تا زمانی در آینده تمام شده است: haben/sein + Partizip II + werden

Bis Freitag **werde** ich das Projekt **beendet haben**.

تا جمعه پروژه را تمام کرده‌ام.

👉 تمرین ۲ – فعل داخل پرانتز را به Plusquamperfekt یا Futur I ببرید.

1. Nachdem wir _____, gingen wir spazieren. (essen – Plusquamperfekt)
2. Sie war müde, weil sie schlecht _____. (schlafen – Plusquamperfekt)
3. Keine Sorge, ich _____ pünktlich _____. (sein – Futur I)
4. Als der Arzt kam, _____ das Fieber schon _____. (sinken – Plusquamperfekt)

جمله وابسته و جای فعل

۳

Nebensätze: weil, dass, ob, wenn, obwohl ...

مهم‌ترین قانون B1: در جمله وابسته (Nebensatz) فعل صرف‌شده به آخر جمله می‌رود و جمله وابسته با ویrgol از جمله اصلی جدا می‌شود.

Ich bleibe zu Hause, **weil** ich krank **bin**.

در خانه می‌مانم، چون مریضم.

Ich weiß, **dass** du morgen **kommst**.

می‌دانم که فردا می‌آیی.

Er fragt, **ob** der Kurs heute **stattfindet**.

می‌پرسد که آیا کلاس امروز برگزار می‌شود.

حرف ربط	معنی	مثال
weil / da	چون، زیرا	Ich lerne Deutsch, weil ich in Deutschland arbeiten möchte.
dass	که	Ich finde, dass Sport wichtig ist.
ob	آیا، که آیا	Weißt du, ob die Bank heute geöffnet ist?
wenn	اگر / هر وقت	Wenn ich Zeit habe, rufe ich dich an.
falls	در صورتی که	Falls es regnet, nehmen wir den Bus.

حرف ربط	معنی	مثال
obwohl	با این‌که	Obwohl er müde war, hat er weitergearbeitet.
sodass / so ..., dass	به‌طوری‌که	Es war so laut, dass ich nicht schlafen konnte.
کلمات پرسشی (indirekte Frage)	کجا، کی، چرا ...	Können Sie mir sagen, wo der Bahnhof ist?

♦ سه حالت مهم جای فعل در جمله وابسته

حالت	مثال
فعل مُدال: مدال در آخر	..., weil ich heute arbeiten muss .
Perfekt: فعل کمکی در آخر	..., weil er nicht gekommen ist .
فعل جداشدنی: دوباره به هم می‌چسبد	..., dass der Zug um 8 Uhr abfährt .

♦ وقتی جمله وابسته اول می‌آید

اگر جمله وابسته را اول بگذاریم، کل آن جای «جایگاه اول» را می‌گیرد؛ پس جمله اصلی با فعل شروع می‌شود: «فعل، فعل»

Weil ich krank **war**, **bin** ich zu Hause geblieben.

چون مریض بودم، در خانه ماندم.

♦ weil, denn یا deshalb؟

کلمه	جای فعل	مثال
weil	فعل آخر جمله	Ich bin müde, weil ich wenig geschlafen habe.
denn	ترتیب عادی (فعل جایگاه دوم)	Ich bin müde, denn ich habe wenig geschlafen.
deshalb	فعل بلافاصله بعد از آن	Ich habe wenig geschlafen, deshalb bin ich müde.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

فارسی‌زبانی است که فعل در آخر جمله می‌آید: چون دیروز مریض بودم. پس ساختار Nebensatz برای ما فارسی‌زبان‌ها طبیعی است. فقط کافی است به آلمانی همان‌طور فکر کنید که فارسی حرف می‌زنید!

⚠ اشتباه رایج

اشتباه نکنید: ob یعنی «آیا» و wenn یعنی «اگر».
 × Ich weiß nicht, wenn er kommt.
 ✓ Ich weiß nicht, ob er kommt.

👉 تمرین ۳ – دو جمله را با حرف ربط داخل پرانتز وصل کنید.

1. Ich gehe heute nicht ins Kino. Ich habe keine Zeit. (weil)
2. Sie geht arbeiten. Sie ist erkältet. (obwohl)
3. Weißt du ...? Kommt Ali heute? (ob)
4. Ich hoffe ... Du bestehst die Prüfung. (dass)
5. Können Sie mir sagen ...? Wann fährt der Bus ab? (indirekte Frage)

حروف ربط زمانی

۴

Temporale Nebensätze: als, wenn, nachdem, bevor, während ...

حرف ربط	معنی	مثال
als	وقتی که (یک بار در گذشته)	Als ich zehn war, sind wir nach Isfahan gezogen.
wenn	وقتی/هر وقت (تکرار در گذشته، حال، آینده)	Wenn ich nach Hause komme, koche ich Tee.
nachdem	بعد از این که	Nachdem ich gegessen hatte, rief ich Mama an.
bevor	قبل از این که	Bevor du gehst, mach bitte das Licht aus.
während	در حالی که، در طول	Während ich koche, hört er Musik.
seit / seitdem	از وقتی که	Seitdem ich Sport mache, fühle ich mich besser.
bis	تا وقتی که	Warte hier, bis ich zurückkomme.
sobald	به محض این که	Sobald ich angekommen bin, schreibe ich dir.

♦ als یا wenn؟ این نمودار را حفظ کنید

یک بار	چند بار / همیشه
als	wenn (اغلب با immer)
wenn	wenn

گذشته

حال و آینده

Als ich das erste Mal in Berlin war, hat es geregnet.

اولین باری که برلین بودم، باران می‌بارید. (یک بار)

Immer wenn ich Oma besucht habe, hat sie Kuchen gebacken.

هر بار که مادربزرگ را می‌دیدم، کیک می‌پخت. (تکرار)

جمله اصلی	nachdem جمله
... gehe ich spazieren. :Präsens	Nachdem ich gegessen habe, ... :Perfekt
... ging ich spazieren. :Präteritum/Perfekt	Nachdem ich gegessen hatte, ... :Plusquamperfekt

ترفند حفظ کردن

قانون ساده: کاری که بعد از nachdem می آید یک پله در گذشته عقب تر است.

تمرین ۴ – wenn یا als؟

- _____ ich klein war, wollte ich Pilot werden.
- _____ ich Zeit habe, lese ich ein Buch.
- Immer _____ es geregnet hat, sind wir im Haus geblieben.
- _____ wir 2019 in Wien waren, haben wir die Oper besucht.
- _____ du nach Deutschland kommst, besuch mich!

بیان هدف: um ... zu, damit و دوستانش

Finalsätze und Infinitivkonstruktionen

مثال	کی؟	ساختار
Ich lerne Deutsch, um in Deutschland zu studieren.	فاعل هر دو جمله یکی است	um ... zu + مصدر
Ich spreche langsam, damit du mich verstehst.	فاعل ها فرق دارند (یا یکی اند)	damit + جمله کامل
Er ging, ohne Tschüss zu sagen.	بدون این که (فاعل یکی)	ohne ... zu
Sie nahm das Auto, ohne dass ihr Vater es wusste.	بدون این که (فاعل متفاوت)	ohne dass
Statt zu lernen, spielt er am Handy.	به جای این که	(an)statt ... zu

چطور تشخیص بدهم؟

از خودتان بپرسید: «چه کسی کار جمله دوم را انجام می دهد؟» اگر همان فاعل جمله اول است، um ... zu بهترین انتخاب است. اگر کس دیگری است، فقط damit درست است.

Ich spare Geld, **um** ein Auto **zu kaufen**.

پول پس انداز می کنم تا ماشین بخرم. (من ... من)

Ich spare Geld, **damit** meine Kinder studieren können.

پول پس انداز می کنم تا بچه هایم بتوانند درس بخوانند. (من ... بچه ها)

⚠ اشتباه رایج

در جمله‌های damit از فعل مُدال wollen یا sollen استفاده نکنید؛ هدف خودش در damit هست.
✓ um Deutsch zu lernen × damit ich Deutsch lernen will

تمرین ۵ – um ... zu یا damit؟

1. Ich stehe früh auf, _____ den Bus nicht _____ verpassen.
2. Die Lehrerin erklärt es noch einmal, _____ alle es verstehen.
3. Er macht einen Kurs, _____ besser Deutsch _____ sprechen.
4. Ich gebe dir meine Nummer, _____ du mich anrufen kannst.

جملهٔ موصولی (که)

Relativsätze

۶

در فارسی برای وصل کردن توضیح به یک اسم فقط یک کلمه داریم: «که». در آلمانی این «که» با جنس اسم و نقشش در جملهٔ دوم تغییر می‌کند. فعل جملهٔ موصولی هم به آخر می‌رود.

حالت	مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
Nominativ	der	die	das	die
Akkusativ	den	die	das	die
Dativ	dem	der	dem	denen
Genitiv	dessen	deren	dessen	deren

ترفند حفظ کردن

این جدول تقریباً همان حروف تعریف معین است. فقط چهار خانهٔ پررنگ فرق دارند: denen, dessen و deren.

♦ روش سه مرحله‌ای

۱. اسمی را که توضیح می‌دهید پیدا کنید ← جنس و عدد را از آن بگیرید.
۲. ببینید این اسم در جملهٔ دوم چه نقشی دارد (فاعل؟ مفعول؟ بعد از حرف اضافه؟) ← حالت را بگیرید.
۳. ضمیر را از جدول بردارید و فعل را آخر جمله بگذارید.

Das ist der Mann, **der** neben mir wohnt.

این همان مردی است که کنار من زندگی می‌کند. (فاعل ← Nom).

Das ist der Mann, **den** ich gestern gesehen habe.

این همان مردی است که دیروز دیدمش. (مفعول ← Akk).

Das ist die Kollegin, **der** ich geholfen habe.

این همکاری است که به او کمک کردم. (helfen + Dat).

Das sind die Kinder, **denen** ich Deutsch beibringe.

این‌ها بچه‌هایی هستند که به آن‌ها آلمانی یاد می‌دهم.

Das ist die Frau, **deren** Sohn in Hamburg studiert.

این خانمی است که پسرش در هامبورگ درس می‌خواند.

♦ با حرف اضافه، was و wo

Das ist die Stadt, **in der** ich geboren bin.

این شهری است که در آن به دنیا آمدم.

Das ist die Stadt, **wo** ich geboren bin.

(همان معنی، محاوره‌ای‌تر)

Der Freund, **mit dem** ich nach Shiraz gefahren bin, heißt Amir.

دوستی که با او به شیراز رفتم، امیر نام دارد.

Alles, **was** du sagst, ist richtig.

هر چه می‌گویی درست است. (بعد از alles, nichts, etwas, das)

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

در فارسی می‌گوییم **مردی که دیدمش** و ضمیر را آخر تکرار می‌کنیم. در آلمانی این کار ممنوع است:
x den ich ihn gesehen habe

👉 تمرین ۶ – ضمیر موصولی مناسب را بنویسید.

1. Das ist das Buch, _____ ich dir empfohlen habe.
2. Wie heißt der Kollege, _____ aus Tabriz kommt?
3. Die Leute, _____ wir geholfen haben, waren sehr dankbar.
4. Das ist meine Nachbarin, _____ Hund immer bellt.
5. Ich suche eine Wohnung, in _____ ich Haustiere haben darf.

وجه التزامی دوم: آرزو، فرض و ادب

Konjunktiv II

۷

با Konjunktiv II درباره چیزهایی حرف می‌زنیم که **واقعی نیستند**، آرزو می‌کنیم، مؤدبانه درخواست می‌کنیم یا پیشنهاد می‌دهیم. این یکی از پرامتیازترین ساختارها در آزمون شفاهی و نوشتاری است.

müsste	könnte	hätte	wäre	würde	
müsste	könnte	hätte	wäre	würde	ich
müsstest	könntest	hättest	wärest	würdest	du
müsste	könnte	hätte	wäre	würde	er/sie/es
müssten	könnten	hätten	wären	würden	wir
müsstet	könntet	hättet	wärt	würdet	ihr
müssten	könnten	hätten	wären	würden	sie/Sie

برای بیشتر فعل‌ها: würde + مصدر ← Ich würde gern reisen. چند فعل پرکاربرد فرم خودشان را دارند: wüsste (wissen), käme (kommen), ginge (gehen), gäbe (geben), dürfte, sollte.

♦ چهار کاربرد اصلی

کاربرد	مثال	ترجمه
درخواست مؤدبانه	Könnten Sie mir bitte helfen?	ممکن است لطفاً کمک کنید؟
آرزو	/ Wenn ich doch mehr Zeit hätte! Ich wünschte, ich wäre am Meer.	کاش وقت بیشتری داشتم! / کاش کنار دریا بودم.
شرط غیرواقعی	Wenn ich reich wäre, würde ich die Welt bereisen.	اگر پولدار بودم، دور دنیا سفر می‌کردم.
پیشنهاد و توصیه	/ Du solltest mehr schlafen. An deiner Stelle würde ich zum Arzt gehen.	بهتر است بیشتر بخوابی. / جای تو بودم پیش دکتر می‌رفتم.

♦ Konjunktiv II در گذشته

برای پشیمانی یا فرضی که در گذشته اتفاق نیفتاده: Partizip II + hätte / wäre

Wenn ich das **gewusst hätte**, **wäre** ich früher **gekommen**.

اگر این را می‌دانستم، زودتر آمده بودم.

Du **hättest** mich anrufen **sollen**.

باید به من زنگ می‌زدی.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

شرط غیرواقعی آلمانی کاملاً با فارسی هم‌خوان است: اگر وقت داشتم، می‌آمدم ←
Wenn ich Zeit **hätte**, **würde** ich **kommen**. هر جا در فارسی برای شرط غیرواقعی از گذشته ساده و استمراری استفاده می‌کنید، در آلمانی Konjunktiv II لازم است.

در بخش 1 Sprechen Teil (برنامه ریزی مشترک) با جمله هایی مثل ... Wie wäre es mit ... , Wir könnten ... و ... Ich würde vorschlagen, dass ... امتیاز می گیرید.

📌 تمرین ۷ – جمله را با Konjunktiv II کامل کنید.

1. Wenn ich Zeit _____ (haben), _____ ich dich besuchen. (würde)
2. _____ (können) Sie bitte das Fenster schließen?
3. Wenn ich du _____ (sein), würde ich die Stelle nehmen.
4. Ich _____ (haben) gern einen Kaffee, bitte.
5. Wenn er früher losgefahren _____, _____ er den Zug nicht verpasst. (Vergangenheit)

مجهول

Das Passiv

۸

در جمله مجهول مهم نیست چه کسی کار را انجام می دهد؛ خود کار مهم است. این ساختار در اخبار، دستورالعمل ها و متن های رسمی آزمون زیاد دیده می شود.

زمان	ساختار	مثال
Präsens	PII + werden	Das Haus wird renoviert.
Präteritum	PII + wurde	Das Haus wurde 1990 gebaut.
Perfekt	worden + PII + sein	Das Haus ist renoviert worden .
با فعل مدال	werden + PII + مدال	Das Haus muss renoviert werden .

♦ از معلوم به مجهول

معلوم (Aktiv)	مجهول (Passiv)
Der Mechaniker repariert das Auto.	Das Auto wird (vom Mechaniker) repariert.
Man spricht hier Deutsch.	Hier wird Deutsch gesprochen.
Die Firma hat 20 Leute eingestellt.	20 Leute sind eingestellt worden.

💡 durch یا von ؟

Dativ + von برای انجام دهنده کار (معمولاً شخص): von der Polizei. Akkusativ + durch برای وسیله یا علت: durch das Feuer, durch einen Sturm.

× Das Auto ist repariert geworden. :geworden است نه
 ✓ Das Auto ist repariert worden.

♦ مجهول حالت (Zustandspassiv)

sein + PII نتیجه یک کار را نشان می‌دهد: Die Tür **wird** geöffnet. (در دارد باز می‌شود) ↔ Die Tür **ist** geöffnet. (در باز است).

👉 تمرین ۸ – جمله‌ها را مجهول کنید.

1. Man trennt in Deutschland den Müll. (Präsens)
2. Der Arzt untersuchte den Patienten. (Präteritum)
3. Man muss das Formular bis Freitag abgeben.
4. Die Kinder haben den Kuchen gegessen. (Perfekt)

صرف صفت

۹

Adjektivdeklination

صفتی که قبل از اسم می‌آید پایانه می‌گیرد. این پایانه به سه چیز بستگی دارد: نوع حرف تعریف، جنس اسم و حالت (Kasus). سه جدول زیر کل ماجراست.

♦ (۱) بعد از حرف تعریف معین (... der, die, das, dieser, jeder)

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
der gute Mann	die gute Frau	das gute Kind	die guten Leute
den guten Mann	die gute Frau	das gute Kind	die guten Leute
dem guten Mann	der guten Frau	dem guten Kind	den guten Leuten
des guten Mannes	der guten Frau	des guten Kindes	der guten Leute
.Nom			
.Akk			
.Dat			
.Gen			

🧠 ترفند حفظ کردن

در این جدول فقط ۵ خانه e- می‌گیرند: سه خانه Nominativ مفرد + Akkusativ مؤنث و خنثی. بقیه همه -en هستند.

♦ (۲) بعد از حرف تعریف نامعین (... ein, kein, mein)

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
ein guter Mann	eine gute Frau	ein gutes Kind	keine guten Leute
einen guten Mann	eine gute Frau	ein gutes Kind	keine guten Leute

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
einem guten Mann .Dat	einer guten Frau	einem guten Kind	keinen guten Leuten
eines guten Mannes .Gen	einer guten Frau	eines guten Kindes	keiner guten Leute

نکته

ein در Nominativ مذکر و Nominativ/Akkusativ خنثی نشانه جنس ندارد، پس صفت خودش نشانه را می‌گیرد:
ein guter Mann (r مثل der)، ein gutes Kind (s مثل das).

۳ بدون حرف تعریف

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
guter Tee .Nom	gute Milch	gutes Brot	gute Leute
guten Tee .Akk	gute Milch	gutes Brot	gute Leute
gutem Tee .Dat	guter Milch	gutem Brot	guten Leuten
guten Tees .Gen	guter Milch	guten Brotes	guter Leute

قانون طلایی

اگر حرف تعریف، جنس و حالت را نشان می‌دهد، صفت آرام است (e یا -en). اگر حرف تعریفی نیست یا نشانه ندارد، صفت خودش پایانه حرف تعریف معین را می‌گیرد (der → -er، das → -es، dem → -em).

ویژه فارسی‌زبان‌ها

در فارسی صفت بعد از اسم می‌آید و هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند («خانه بزرگ»). برای همین فارسی‌زبان‌ها پایانه‌های صفت را زیاد جا می‌اندازند. هر روز ۵ جمله با «اسم + صفت + حرف تعریف» بلند بخوانید تا گوشتان به آن عادت کند.

تمرین ۹ – پایانه درست صفت را بنویسید.

1. Ich habe einen neu___ Job gefunden.
2. Wir wohnen in einer klein___ Wohnung.
3. Das ist das best___ Restaurant in der Stadt.
4. Mit dem alt___ Auto fahren wir nicht mehr.
5. Ich trinke gern heiß___ Tee mit frisch___ Minze.

مقایسه: تر و ترین

Komparativ, Superlativ und je ... desto

۱۰

صفت	Komparativ	Superlativ	معنی
schnell	schneller	am schnellsten	سریع

معنی	Superlativ	Komparativ	صفت
پیر، قدیمی	am ältesten	älter	alt
بزرگ	am größten	größer	groß
جوان	am jüngsten	jünger	jung
گرم	am wärmsten	wärmer	warm
گران	am teuersten	teurer	teuer
خوب	am besten	besser	gut
زیاد	am meisten	mehr	viel
با میل	am liebsten	lieber	gern
بلند، مرتفع	am höchsten	höher	hoch
نزدیک	am nächsten	näher	nah

◆ wie یا als ؟

Teheran ist größer **als** Shiraz.

تهران از شیراز بزرگتر است. (نابرابری ← als)

Mein Bruder ist **so** groß **wie** ich.

برادرم همقد من است. (برابری ← so ... wie)

◆ صفت تفضیلی قبل از اسم

صفت تفضیلی و عالی قبل از اسم مثل هر صفت دیگری پایانه می‌گیرد: **die beste Lösung**, **ein schnelleres Auto**, **der höchste Berg Irans**.

◆ desto ... je (هر چه ... بیشتر)

Je mehr ich übe, **desto** besser spreche ich.

هر چه بیشتر تمرین کنم، بهتر صحبت می‌کنم.

💡 نکته

بعد از je فعل به آخر می‌رود (مثل Nebensatz)، ولی بعد از **desto** + صفت فعل بلافاصله می‌آید.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

«تر» و «ترین» فارسی دقیقاً معادل -er و -am -sten است. فقط مراقب Umlaut باشید: بیشتر صفت‌های یک‌هجایی با a، o، u نقطه می‌گیرند (alt → älter).

تمرین ۱۰ – شکل درست صفت را بنویسید.

1. Im Sommer ist es in Ahvaz _____ als in Tabriz. (heiß)
2. Ich trinke _____ Tee als Kaffee. (gern)
3. Das ist der _____ Tag meines Lebens! (schön – Superlativ)
4. Je _____ du schläfst, desto müder bist du. (wenig)

حالت اضافی و حروف اضافه Genitiv

Genitiv und Genitivpräpositionen

۱۱

Genitiv مالکیت را نشان می‌دهد، دقیقاً مثل کسره اضافه در فارسی: «ماشین پدرم».

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
des / eines	der / einer	des / eines	der
حرف تعریف			
مثال	das Auto des Vaters	die Tasche der Frau	die Farbe des Hauses
			die Zimmer der Kinder

نکته

اسم مذکر و خنثی در Genitiv یک -s یا -es می‌گیرد. -es معمولاً بعد از اسم‌های یک‌هجایی و اسم‌هایی که به s، ß، z، x ختم می‌شوند: des Tages، des Hauses.

برای اسم خاص فقط -s بدون آپاستروف: Deutschlands Hauptstadt، Saras Buch.

حروف اضافه Genitiv

حرف اضافه	معنی	مثال
wegen	به خاطر	Wegen des Regens bleiben wir zu Hause.
trotz	با وجود	Trotz der Kälte gehen wir spazieren.
während	در طول	Während des Unterrichts ist das Handy aus.
(an)statt	به جای	Statt eines Briefes schreibe ich eine E-Mail.
innerhalb / außerhalb	داخل / خارج	Innerhalb einer Woche bekommen Sie eine Antwort.
aufgrund	به دلیل (رسمی)	Aufgrund einer Störung fällt der Zug aus.

نکته آزمون

در گفتار روزمره آلمانی‌ها اغلب می‌گویند wegen dem Wetter (با Dativ)، اما در نامه رسمی و آزمون همیشه Genitiv بنویسید: wegen des Wetters.

1. Das ist die Wohnung _____ (meine Schwester).
2. _____ (das schlechte Wetter) wurde das Spiel abgesagt. (wegen)
3. _____ (die Pause) habe ich einen Kaffee getrunken. (während)
4. Der Name _____ (der Lehrer) ist Herr Weber.

فعل‌های همراه با حرف اضافه

۱۲

Verben mit Präpositionen, da- und wo-Wörter

خیلی از فعل‌های آلمانی با یک حرف اضافه ثابت می‌آیند و آن حرف اضافه هم حالت مشخصی دارد. این‌ها را باید مثل یک واحد حفظ کنید: نه warten, بلکه warten auf + Akk.

⚠ اشتباه رایج

حرف اضافه آلمانی معمولاً با فارسی فرق دارد: منتظر کسی ← auf, «به کسی فکر کردن» ← an, «از چیزی ترسیدن» ← vor. ترجمه کلمه به کلمه از فارسی تقریباً همیشه غلط از آب درمی‌آید.

فعل + حرف اضافه	معنی	مثال
warten auf + A	منتظر ... بودن	Ich warte auf den Bus.
denken an + A	به ... فکر کردن	Ich denke oft an meine Familie.
sich freuen auf + A	مشتاقانه منتظر (آینده) بودن	Ich freue mich auf den Urlaub.
sich freuen über + A	از ... خوشحال بودن (حال/گذشته)	Ich freue mich über dein Geschenk.
sich interessieren für + A	به ... علاقه داشتن	Sie interessiert sich für Kunst.
sich ärgern über + A	از ... عصبانی شدن	Er ärgert sich über den Lärm.
sich kümmern um + A	از ... مراقبت کردن	Wer kümmert sich um die Kinder?
sich erinnern an + A	... را به یاد آوردن	Erinnerst du dich an unseren ersten Tag?
sich bewerben um + A	برای ... اقدام کردن	Ich bewerbe mich um ein Stipendium.
sich gewöhnen an + A	به ... عادت کردن	Ich habe mich an das Wetter gewöhnt.
sich vorbereiten auf + A	برای ... آماده شدن	Ich bereite mich auf die Prüfung vor.
sich konzentrieren auf + A	روی ... تمرکز کردن	Konzentrier dich auf deine Arbeit!
sich entscheiden für + A	... را انتخاب کردن	Ich habe mich für den Kurs entschieden.
bitten um + A	درخواست ... کردن	Darf ich Sie um Hilfe bitten?
sich bedanken für + A	بابت ... تشکر کردن	Ich bedanke mich für die Einladung.
sich verlieben in + A	عاشق ... شدن	Er hat sich in Paris verliebt.
Lust haben auf + A	حوصله/میل ... داشتن	Hast du Lust auf Pizza?
teilnehmen an + D	در ... شرکت کردن	Ich nehme an einem Kurs teil.

فعل + حرف اضافه	معنی	مثال
Angst haben vor + D	از ... ترسیدن	Viele haben Angst vor Prüfungen.
träumen von + D	رؤیای ... را داشتن	Ich träume von einer Reise nach Japan.
abhängen von + D	به ... بستگی داشتن	Das hängt vom Wetter ab.
sich beschäftigen mit + D	با ... سروکار داشتن، مشغول بودن	Ich beschäftige mich mit Geschichte.
sprechen mit + D / über + A	با کسی / درباره چیزی صحبت کردن	Ich spreche mit ihm über das Problem.
sich beschweren bei + D / über + A	پیش کسی / از چیزی شکایت کردن	Ich beschwere mich beim Chef über den Lärm.
sich entschuldigen bei + D / für + A	از کسی / بابت چیزی عذرخواهی کردن	Ich entschuldige mich bei dir für den Fehler.
sich verabschieden von + D	از ... خداحافظی کردن	Sie verabschiedet sich von ihren Kollegen.
fragen nach + D	سراغ ... را گرفتن	Der Tourist fragt nach dem Weg.
gehören zu + D	جزو ... بودن	Das gehört zu meinen Aufgaben.
zweifeln an + D	به ... شک داشتن	Ich zweifle an seiner Ehrlichkeit.
sich treffen mit + D	با ... ملاقات کردن	Ich treffe mich mit Freunden.

◆ کلمات da- و wo-

وقتی به جای چیز (نه شخص) از ضمیر استفاده می‌کنیم، حرف اضافه با da- یا wo- ترکیب می‌شود. اگر حرف اضافه با حرف صدادار شروع شود، یک r اضافه می‌شود: **darauf, woran**.

چیز	شخص
سؤال	Auf wen wartest du? – Auf Maria.
جواب کوتاه	Ich warte auf sie .
با جمله وابسته	Ich freue mich darauf , dich zu sehen.

👉 تمرین ۱۲ – حرف اضافه مناسب را بنویسید.

- Ich interessiere mich sehr _____ deutsche Literatur.
- Wir müssen noch zehn Minuten _____ den Zug warten.
- Hast du schon _____ der Besprechung teilgenommen?
- _____ denkst du gerade? – An meine Prüfung.
- Kinder haben oft Angst _____ der Dunkelheit.

فعل‌های انعکاسی

Reflexive Verben

۱۳

فعل انعکاسی فعلی است که با ضمیر sich می‌آید. این ضمیر در دو حالت Dativ و Akkusativ است:

sie/Sie	ihr	wir	er/sie/es	du	ich	
sich	euch	uns	sich	dich	mich	Akkusativ
sich	euch	uns	sich	dir	mir	Dativ

🧠 ترفند حفظ کردن

فقط ich و du فرق دارند! قانون: اگر جمله **مفعول دیگری در Akkusativ** دارد، ضمیر انعکاسی Dativ می‌شود:
 Ich wasche **mir** die Hände. ولی Ich wasche **mich**.

فعل	معنی	مثال
sich fühlen	احساس کردن	Ich fühle mich heute nicht gut.
sich beeilen	عجله کردن	Beeil dich, wir sind spät dran!
sich erholen	استراحت کردن، بهبود یافتن	Im Urlaub habe ich mich gut erholt.
sich verspäten	دیر کردن	Entschuldigung, ich habe mich verspätet.
sich vorstellen (Akk)	خود را معرفی کردن	Darf ich mich vorstellen? Ich heiße Reza.
sich (D) etwas vorstellen	چیزی را تصور کردن	Ich kann mir das nicht vorstellen.
sich (D) etwas leisten	از عهده خرید برآمدن	Ich kann mir kein neues Auto leisten.
sich (D) etwas merken	به خاطر سپردن	Ich kann mir Namen schlecht merken.
sich (D) etwas wünschen	آرزو کردن	Was wünschst du dir zum Geburtstag?
sich (D) Sorgen machen	نگران بودن	Mach dir keine Sorgen!

👉 تمرین ۱۳ – ضمیر انعکاسی درست را بنویسید.

- Ich freue _____ sehr auf das Wochenende.
- Kannst du _____ meine Telefonnummer merken?
- Wir haben _____ im Park getroffen.
- Ich putze _____ jeden Abend die Zähne.

کلمات ربط: نقشه کامل جای فعل

۱۴

Konnektoren: Position 0, Position 1, Verbende

بزرگ‌ترین منبع اشتباه در نوشتن B1 جای فعل بعد از کلمات ربط است. این جدول را به دیوار اتاقتان بچسبانید:

گروه	کلمات	جای فعل	مثال
جایگاه صفر	und, aber, oder, denn, sondern	ترتیب عادی	Ich bin müde, aber ich arbeite weiter.

گروه	کلمات	جای فعل	مثال
جایگاه یک (قید ربطی)	deshalb, deswegen, trotzdem, sonst, außerdem, dann, danach, also	فعل بلافاصله بعدش	Ich bin müde, trotzdem arbeite ich weiter.
آخر جمله (Nebensatz)	weil, dass, ob, wenn, obwohl, als, damit, bevor ...	فعل آخر جمله	Ich arbeite weiter, obwohl ich müde bin .

ترفند ADUSO

کلمات جایگاه صفر را با حروف اولشان حفظ کنید: **A**ber, **D**enn, **U**nd, **S**ondern, **O**der ← ADUSO.

معنی قیده‌ای ربطی

کلمه	معنی	مثال
deshalb / deswegen / darum	به همین دلیل	Es regnet, deshalb nehme ich einen Schirm mit.
trotzdem	با این حال	Das Essen war teuer, trotzdem hat es nicht geschmeckt.
sonst	وگرنه	Beeil dich, sonst verpasst du den Zug.
außerdem	علاوه بر این	Die Wohnung ist hell. Außerdem ist sie günstig.
stattdessen	به جایش	Ich hatte keine Lust zu kochen, stattdessen habe ich Pizza bestellt.

کلمات ربط دوبخشی

ساختار	معنی	مثال
sowohl ... als auch	هم ... و هم	Sie spricht sowohl Deutsch als auch Englisch.
weder ... noch	نه ... و نه	Ich habe weder Zeit noch Geld.
entweder ... oder	یا ... یا	Entweder kommst du mit, oder du bleibst hier.
nicht nur ... sondern auch	نه تنها ... بلکه	Er ist nicht nur klug, sondern auch nett.
zwar ... aber	درست است که ... اما	Das Hotel war zwar teuer, aber sehr schön.
je ... desto	هر چه ... (بیشتر)	Je früher, desto besser.

نکته آزمون

در Schreiben استفاده از ۳-۴ کلمه ربط متنوع (deshalb, trotzdem, obwohl, außerdem) مستقیماً روی نمره Kohärenz (انسجام متن) اثر می‌گذارد.

👉 تمرین ۱۴ – جمله را با کلمه داخل پرانتز بازنویسی کنید.

1. Ich habe Hunger. Ich esse etwas. (deshalb)
2. Es ist kalt. Wir gehen schwimmen. (trotzdem)
3. Er spricht Arabisch. Er spricht Türkisch. (sowohl ... als auch)
4. Ich trinke keinen Kaffee. Ich trinke keinen Tee. (weder ... noch)

مصدر با zu و فعل lassen

۱۵

Infinitiv mit zu und das Verb lassen

♦ کجا مصدر + zu می‌آید؟

مثال	بعد از ...
Ich versuche, jeden Tag zu lernen.	فعل‌هایی مثل versuchen, vergessen, anfangen, aufhören, vorhaben, beschließen, hoffen, planen
Es ist wichtig, regelmäßig Sport zu treiben.	ساختار صفت + Es ist
Ich habe keine Zeit, dich anzurufen.	اسم‌هایی مثل Lust, Zeit, Angst, die Möglichkeit

💡 نکته

در فعل جداشدنی، zu وسط می‌نشیند: anzurufen, einzukaufen, aufzustehen.
بعد از فعل‌های مدال هرگز zu نمی‌آید:
× Ich muss zu arbeiten.

(Du musst nicht kommen. =) Du **brauchst** nicht zu kommen. «لازم نیست» = nicht brauchen zu

♦ سه معنی فعل lassen

معنی	مثال	ترجمه
اجازه دادن	Meine Eltern lassen mich allein reisen.	پدر و مادرم اجازه می‌دهند تنها سفر کنم.
دادن کاری به دیگری (سفارش دادن)	Ich lasse mein Auto reparieren.	ماشینم را می‌دهم تعمیر کنند.
جا گذاشتن، رها کردن	Ich habe meine Brille zu Hause gelassen.	عینکم را خانه جا گذاشتم.

⚠️ اشتباه رایج

در Perfekt، وقتی lassen با یک مصدر دیگر می‌آید، دو مصدر کنار هم می‌مانند:
Ich habe mir die Haare schneiden lassen. (نه gelassen).

👉 تمرین ۱۵ – با zu یا بدون zu؟ جای خالی را پر کنید.

1. Ich habe vergessen, dich _____. (anrufen)
2. Es ist schwer, eine Wohnung _____. (finden)
3. Wir müssen morgen früh _____. (aufstehen)
4. Ich lasse meine Zeugnisse _____. (übersetzen)

ترتیب کلمات، جای nicht و صرف اسامی n

۱۶

Satzstellung, Negation und n-Deklination

♦ TeKaMoLo: ترتیب قیدها در وسط جمله

وقتی چند قید داریم، ترتیب معمول این است: Temporal (کی) ← Kausal (چرا) ← Modal (چطور) ← Lokal (کجا)

Ich fahre **morgen wegen der Prüfung mit dem Zug nach Berlin.**

فردا به خاطر امتحان با قطار به برلین می‌روم.

♦ مفعول Akkusativ و Dativ

حالت	قاعده	مثال
هر دو اسم	Dativ قبل از Akkusativ	Ich gebe dem Kind das Buch.
هر دو ضمیر	Akkusativ قبل از Dativ	Ich gebe es ihm.
یک ضمیر، یک اسم	ضمیر اول	Ich gebe ihm das Buch. / Ich gebe es dem Kind.

♦ جای nicht

قاعده	مثال
منفی کردن کل جمله: آخر جمله	Ich verstehe den Text nicht .
قبل از Partizip، مصدر یا پیشوند جداشدنی	Ich habe ihn nicht gesehen. / Er ruft nicht an.
قبل از صفت، قید و گروه حرف اضافه‌ای	Das ist nicht teuer. / Ich wohne nicht in Köln.
منفی کردن یک بخش خاص: قبل از همان بخش	Nicht ich, sondern mein Bruder hat angerufen.

👉 ?kein یا nicht

اسم با حرف تعریف نامعین یا بدون حرف تعریف ← kein: Ich habe **keine** Zeit. ← nicht: Ich habe **nicht** Zeit.

گروهی از اسم‌های مذکر در همهٔ حالت‌ها به‌جز Nominativ مفرد یک -n یا -en می‌گیرند. بیشترشان اشخاص یا حیوانات هستند و به -e ختم می‌شوند یا ریشهٔ لاتین دارند (-at، -ist، -ant، -ent).

.Nom	.Akk	.Dat	.Gen
der Kollege	den Kollegen	dem Kollegen	des Kollegen
der Student	den Studenten	dem Studenten	des Studenten
der Herr	den Herrn	dem Herrn	des Herrn

پرکاربردها: der Junge، der Kunde، der Nachbar، der Mensch، der Name (des Namens)، der Praktikant، der Polizist، der Tourist، der Patient، der Präsident، der Architekt، der Löwe

🎯 نکتهٔ آزمون

در نامهٔ رسمی: Sehr geehrter Herr Schmidt (Nominativ) ولی Ich habe Herrn Schmidt geschrieben. (Akkusativ).

👉 تمرین ۱۶ – جمله را مرتب یا اصلاح کنید.

1. Ich / mit dem Bus / heute / zur Arbeit / fahre
2. Kennst du den neuen Kollege? (اصلاح کنید)
3. Ich habe / nicht / gestern / angerufen / ihn
4. Gibst du mir das Buch? – Ja, ich gebe _____. (ضمیر)

واژگان موضوعی

Wortschatz nach Themen



۲۱۶ واژهٔ پرکاربرد در ۱۲ موضوع اصلی آزمون B1. اسم‌ها همیشه با حرف تعریف و شکل جمع آمده‌اند و فعل‌های مهم با شکل Präteritum و Perfekt. مثال‌ها را بلند بخوانید؛ یک جملهٔ کامل بهتر از ده کلمهٔ تنها در ذهن می‌ماند.



خانه و مسکن

Wohnen

۱

اولین چالش هر مهاجر در آلمان پیدا کردن خانه است. این واژه‌ها در آگهی‌ها، قراردادهای و مکالمه با صاحبخانه مدام تکرار می‌شوند.

واژه	معنی	مثال
die Miete -n	اجاره‌بها	Die Miete ist im Zentrum sehr hoch.
die Nebenkosten Pl.	هزینه‌های جانبی (آب، گرما، شارژ)	Die Nebenkosten sind in der Miete enthalten.
die Warmmiete / Kaltmiete	اجاره با / بدون هزینه‌های جانبی	Die Kaltmiete beträgt 600 Euro.
die Kauti -en	ودیعه، پول پیش	Ich muss drei Monatsmieten Kauti zahlen.
der Vermieter / der Mieter -	صاحبخانه / مستأجر	Der Vermieter hat die Heizung repariert.
der Mietvertrag -e	قرارداد اجاره	Lies den Mietvertrag genau, bevor du unterschreibst.
die Wohngemeinschaft (WG) -en	خانهٔ اشتراکی	Ich wohne mit drei Studenten in einer WG.
umziehen zog um – ist umgezogen	اسباب‌کشی کردن	Nächsten Monat ziehen wir nach Hamburg um.
einziehen / ausziehen ist eingezogen / ausgezogen	ساکن شدن / تخلیه کردن	Wann können wir in die Wohnung einziehen?
der Nachbar -n (n-Dekl.)	همسایه	Unsere Nachbarn sind sehr hilfsbereit.
die Hausordnung -en	مقررات ساختمان	Laut Hausordnung ist ab 22 Uhr Ruhe.

واژه	معنی	مثال
möbliert	مبله	Ich suche ein möbliertes Zimmer.
die Heizung -en	سیستم گرمایش، شوفاژ	Im Winter ist die Heizung kaputtgegangen.
die Lage	موقعیت مکانی	Die Wohnung ist klein, aber die Lage ist super.
der Aufzug -e	آسانسور	Das Haus hat leider keinen Aufzug.
renovieren renovierte – hat renoviert	بازسازی کردن	Vor dem Auszug müssen wir die Wohnung renovieren.
die Besichtigung -en	بازدید (از خانه)	Zur Besichtigung kamen über 30 Leute.
der Müll	زباله	Den Müll muss man in Deutschland trennen.

نکته

در آگهی‌های آلمانی 3 ZKB یعنی 3 Zimmer, Küche, Bad: سه اتاق (شامل اتاق نشیمن)، آشپزخانه و حمام. برخلاف ایران، اتاق نشیمن هم جزو تعداد اتاق‌ها حساب می‌شود.



کار و شغل

۲

Arbeit und Beruf

از نوشتن رزومه تا مصاحبه کاری و گفت‌وگو با همکاران؛ این موضوع در هر چهار بخش آزمون B1 حضور دارد.

واژه	معنی	مثال
die Bewerbung -en	درخواست شغل، اپلای	Ich habe schon zehn Bewerbungen geschrieben.
sich bewerben (um + A) bewarb sich – hat sich beworben	برای کاری درخواست دادن	Sie bewirbt sich um eine Stelle als Krankenpflegerin.
der Lebenslauf -e	رزومه، شرح حال	Der Lebenslauf sollte nicht länger als zwei Seiten sein.
das Vorstellungsgespräch -e	مصاحبه استخدامی	Morgen habe ich ein Vorstellungsgespräch.
die Stelle -n	موقعیت شغلی	Die Firma hat eine Stelle für Ingenieure ausgeschrieben.
die Erfahrung -en	تجربه	Haben Sie Erfahrung in diesem Bereich?
das Gehalt -er	حقوق ماهانه	Das Gehalt wird am Monatsende überwiesen.

واژه	معنی	مثال
der Arbeitgeber / Arbeitnehmer -	کارفرما / کارمند	Der Arbeitgeber zahlt einen Teil der Versicherung.
die Ausbildung -en	آموزش حرفه‌ای (آوسبیلدونگ)	Viele Iraner machen in Deutschland eine Ausbildung zur Pflegefachkraft.
das Praktikum Praktika	کارآموزی	Im Sommer mache ich ein Praktikum bei einer Bank.
der Kollege / die Kollegin -n / -nen	همکار	Meine Kollegen haben mir am Anfang viel geholfen.
die Überstunde -n	اضافه کاری	Diese Woche musste ich viele Überstunden machen.
kündigen kündigte – hat gekündigt	استعفا دادن، فسخ کردن	Er hat seine Stelle gekündigt.
Teilzeit / Vollzeit	پاره وقت / تمام وقت	Ich arbeite Teilzeit, weil ich noch studiere.
selbstständig	خویش فرما	Mein Vater ist seit 20 Jahren selbstständig.
die Besprechung -en	جلسه	Die Besprechung beginnt um zehn Uhr.
der Urlaub -e	مرخصی	Ich habe 30 Tage Urlaub im Jahr.
die Arbeitslosigkeit	بیکاری	Die Arbeitslosigkeit ist leicht gestiegen.

ویژه فارسی زبان‌ها

die Ausbildung با «دوره‌های فنی و حرفه‌ای» ایران فرق دارد: معمولاً ۲ تا ۳ سال طول می‌کشد، بخشی در مدرسه و بخشی در محل کار است و در تمام مدت حقوق ماهانه پرداخت می‌شود.



سلامت و پزشک

۳

Gesundheit

گرفتن وقت دکتر، توضیح علائم بیماری و خرید دارو از داروخانه. این‌ها مکالمه‌هایی هستند که دیر یا زود لازم‌تان می‌شود.

واژه	معنی	مثال
der Termin -e	وقت ملاقات	Ich habe morgen einen Termin beim Zahnarzt.
die Praxis Praxen	مطب	Die Praxis ist mittwochs nachmittags geschlossen.

واژه	معنی	مثال
der Hausarzt / die Hausärztin -e / -nen	پزشک خانواده (عمومی)	Zuerst sollten Sie zum Hausarzt gehen.
die Krankenversicherung -en	بیمه درمانی	In Deutschland ist die Krankenversicherung Pflicht.
das Rezept -e	نسخه	Für dieses Medikament brauchen Sie ein Rezept.
die Apotheke -n	داروخانه	Die nächste Apotheke ist gleich um die Ecke.
das Medikament -e	دارو	Nehmen Sie das Medikament dreimal täglich.
die Krankschreibung -en	گواهی استعلاجی	Der Arzt hat mir eine Krankschreibung für drei Tage gegeben.
die Schmerzen Pl.	درد	Ich habe seit gestern starke Kopfschmerzen.
das Fieber	تب	Das Kind hat hohes Fieber.
sich erkälten erkältete sich – hat sich erkältet	سرما خوردن	Ich habe mich im Regen erkältet.
die Untersuchung -en	معاینه	Die Untersuchung dauert ungefähr 20 Minuten.
die Verletzung -en	جراحت، آسیب دیدگی	Zum Glück ist die Verletzung nicht schlimm.
der Notfall -e	موقعیت اضطراری	Im Notfall rufen Sie die 112 an.
die Ernährung	تغذیه	Eine gesunde Ernährung ist wichtig.
sich ausruhen ruhte sich aus – hat sich ausgeruht	استراحت کردن	Sie sollten sich ein paar Tage ausruhen.
das Wartezimmer -	اتاق انتظار	Bitte nehmen Sie im Wartezimmer Platz.
leiden (an / unter + D) litt – hat gelitten	رنج بردن از	Viele Menschen leiden unter Stress.

نکته

شماره اورژانس پزشکی و آتش‌نشانی در آلمان و کل اتحادیه اروپا «۱۱۲» و پلیس «۱۱۰» است. در ایران اورژانس «۱۱۵»، آتش‌نشانی «۱۲۵» و پلیس «۱۱۰» است.



رزرو بلیت، تأخیر قطار، تعویض خط و گم کردن چمدان؛ موقعیت‌هایی که در بخش شنیداری آزمون (اعلان‌های ایستگاه و فرودگاه) زیاد شنیده می‌شوند.

واژه	معنی	مثال
die Verspätung -en	تأخیر	Der Zug hat 20 Minuten Verspätung.
umsteigen stieg um – ist umgestiegen	(قطار/اتوبوس) عوض کردن	In Frankfurt müssen Sie umsteigen.
der Anschluss -e	قطار/پرواز اتصالی	Ich habe meinen Anschluss verpasst.
verpassen verpasste – hat verpasst	جا ماندن از	Beeil dich, sonst verpassen wir den Bus!
die Fahrkarte -n	بلیت	Die Fahrkarte kann man auch online kaufen.
hin und zurück	رفت و برگشت	Einmal nach Köln, hin und zurück, bitte.
abfahren / ankommen ist abgefahren / ist angekommen	حرکت کردن / رسیدن	Der Zug fährt um 8:15 Uhr ab und kommt um 12 Uhr an.
der Flug -e	پرواز	Der Flug nach Teheran dauert etwa fünf Stunden.
buchen buchte – hat gebucht	رزرو کردن	Ich habe das Hotel schon gebucht.
die Unterkunft -e	محل اقامت	Wir haben eine günstige Unterkunft gefunden.
der Reisepass -e	گذرنامه	Vergiss deinen Reisepass nicht!
das Visum Visa	ویزا	Für Deutschland brauchen Iraner ein Visum.
das Gepäck	بار، چمدان‌ها	Das Gepäck darf höchstens 23 Kilo wiegen.
die Sehenswürdigkeit -en	جاذبه دیدنی	Isfahan hat viele Sehenswürdigkeiten.
der Stau -s	ترافیک سنگین	Auf der Autobahn war ein langer Stau.
die Haltestelle -n	ایستگاه (اتوبوس/تراموا)	Steigen Sie an der nächsten Haltestelle aus.

واژه	معنی	مثال
der Führerschein -e	گواهینامه	Ich mache gerade den Führerschein.
die Grenze -n	مرز	An der Grenze wurden unsere Pässe kontrolliert.

🎯 نکته آزمون

در اعلان‌های بخش Hören به این کلمات دقت کنید: fällt aus (لغو می‌شود)، auf Gleis 5 (روی سکوی ۵)، Ersatzverkehr (حمل‌ونقل جایگزین). معمولاً جواب سؤال همین تغییر آخر اعلان است.



خرید و مصرف

Einkaufen und Konsum

۵

از خرید در سوپرمارکت تا سفارش اینترنتی، تعویض جنس و شکایت از کالای معیوب.

واژه	معنی	مثال
das Angebot -e	پیشنهاد ویژه، حراج	Diese Woche sind Äpfel im Angebot.
der Rabatt -e	تخفیف	Studenten bekommen zehn Prozent Rabatt.
die Quittung / der Kassenbon -en / -s	رسید خرید	Heben Sie die Quittung gut auf.
umtauschen tauschte um – hat umgetauscht	تعویض کردن (کالا)	Kann ich die Schuhe umtauschen?
zurückgeben gab zurück – hat zurückgegeben	پس دادن	Ich möchte diesen Pullover zurückgeben.
die Garantie -n	گارانتی	Das Handy hat zwei Jahre Garantie.
sich beschweren (über + A) beschwerte sich – hat sich beschwert	شکایت کردن	Ich möchte mich über den Service beschweren.
bar / mit Karte zahlen	نقدی / با کارت پرداخت کردن	Kann ich hier mit Karte zahlen?
bestellen bestellte – hat bestellt	سفارش دادن	Ich bestelle fast alles online.
die Lieferung -en	تحویل، ارسال	Die Lieferung dauert drei bis fünf Werktage.
die Größe -n	سایز	Haben Sie diese Jacke eine Größe größer?

واژه	معنی	مثال
anprobieren probierte an – hat anprobiert	پرو کردن	Darf ich das Kleid anprobieren?
günstig / teuer	ارزان / گران	Auf dem Markt ist das Obst günstiger.
die Kasse -n	صندوق	Bitte zahlen Sie an der Kasse.
vergleichen verglich – hat verglichen	مقایسه کردن	Vergleich die Preise im Internet!
der Verbraucher -	مصرف کننده	Verbraucher sollten Preise vergleichen.
die Marke -n	برند	Ich kaufe nicht immer teure Marken.
kaputt / defekt	خراب / معیوب	Der Fernseher war schon beim Auspacken defekt.

نکته 💡

das Angebot دو معنی دارد: «پیشنهاد» (ein Angebot machen) و «حراج» (im Angebot sein). از متن معنی درست را پیدا کنید.



محیط زیست Umwelt

۶

از موضوعات محبوب بخش Sprechen Teil 2 و Schreiben Teil 2. واژه‌های این صفحه را برای نظر دادن درباره آلودگی هوا، کم‌آبی و بازیافت آماده داشته باشید.

واژه	معنی	مثال
die Umwelt	محیط زیست	Wir müssen die Umwelt schützen.
schützen schützte – hat geschützt	محافظت کردن	Bäume schützen den Boden.
der Klimawandel	تغییرات اقلیمی	Der Klimawandel ist ein globales Problem.
die Luftverschmutzung	آلودگی هوا	In Teheran ist die Luftverschmutzung im Winter oft sehr hoch.
die Dürre -n	خشکسالی	Viele Regionen im Iran leiden unter Dürre.
die Mülltrennung	تفکیک زباله	Mülltrennung ist in Deutschland ganz normal.

واژه	معنی	مثال
recyclen recyclen – hat recycelt	بازیافت کردن	Glas und Papier kann man gut recyceln.
Energie sparen	در مصرف انرژی صرفه جویی کردن	Mit LED-Lampen kann man Energie sparen.
erneuerbar	تجدیدپذیر	Sonnenenergie ist eine erneuerbare Energie.
der Verbrauch	مصرف	Der Wasserverbrauch ist zu hoch.
das Plastik	پلاستیک	Ich versuche, weniger Plastik zu benutzen.
öffentliche Verkehrsmittel PI.	حمل و نقل عمومی	Ich fahre lieber mit öffentlichen Verkehrsmitteln.
umweltfreundlich	سازگار با محیط زیست	Fahrradfahren ist umweltfreundlich.
die Pfandflasche -n	بطری مرجوعی (ودیعهدار)	Pfandflaschen bringt man in den Supermarkt zurück.
wegwerfen warf weg – hat weggeworfen	دور انداختن	Man sollte kein Essen wegwerfen.
die Folge -n	پیامد	Die Folgen des Klimawandels sind schon sichtbar.
die Natur	طبیعت	Am Wochenende sind wir gern in der Natur.
vermeiden vermied – hat vermieden	اجتناب کردن	Wir sollten unnötige Autofahrten vermeiden.



رسانه و فناوری

Medien und Technik



گوشی، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و اخبار. در آزمون اغلب باید درباره مزایا و معایب این‌ها نظر بدهید.

واژه	معنی	مثال
das Gerät -e	دستگاه	Das Gerät funktioniert nicht mehr.
herunterladen lud herunter – hat heruntergeladen	دانلود کردن	Du kannst die App kostenlos herunterladen.
die Nachricht -en	پیام	Ich habe dir eine Nachricht geschickt.
die Nachrichten PI.	اخبار	Ich sehe jeden Abend die Nachrichten.
soziale Medien PI.	شبکه‌های اجتماعی	Jugendliche verbringen viel Zeit in sozialen Medien.

واژه	معنی	مثال
das Passwort -er	رمز عبور	Ändere regelmäßig dein Passwort.
speichern speicherte – hat gespeichert	ذخیره کردن	Hast du die Datei gespeichert?
die Datei -en	فایل	Ich schicke Ihnen die Datei per E-Mail.
der Bildschirm -e	صفحه نمایش	Mein Bildschirm ist kaputt.
der Akku -s	باتری (قابل شارژ)	Mein Akku ist fast leer.
das Ladegerät -e	شارژر	Hast du ein Ladegerät für mich?
die Verbindung -en	اتصال	Die Internetverbindung ist sehr langsam.
die Werbung	تبلیغات	Im Internet gibt es zu viel Werbung.
die Zeitung / Zeitschrift -en	روزنامه / مجله	Ich lese die Zeitung lieber online.
die Sendung -en	برنامه تلویزیونی یا رادیویی	Die Sendung beginnt um 20 Uhr.
der Datenschutz	حفاظت از اطلاعات شخصی	Datenschutz ist in Deutschland sehr wichtig.
abhängig (von + D)	وابسته	Viele Menschen sind von ihrem Handy abhängig.
im Internet surfen	در اینترنت گشتن	Abends surfe ich oft im Internet.



اوقات فراغت و فرهنگ

Freizeit und Kultur

۸

سرگرمی، ورزش، جشن‌ها و برنامه‌ریزی برای آخر هفته. برای بخش اول آزمون شفاهی (برنامه‌ریزی مشترک) بسیار مهم است.

واژه	معنی	مثال
die Freizeit	اوقات فراغت	In meiner Freizeit male ich gern.
der Verein -e	باشگاه، انجمن	Ich bin Mitglied in einem Sportverein.
das Mitglied -er	عضو	Der Verein hat über 200 Mitglieder.

واژه	معنی	مثال
sich verabreden (mit + D) verabredete sich – hat sich verabredet	قرار گذاشتن	Ich habe mich mit Freunden zum Kino verabredet.
die Ausstellung -en	نمایشگاه	Die Ausstellung im Museum ist sehr interessant.
die Eintrittskarte -n	بلیت ورودی	Die Eintrittskarten waren schnell ausverkauft.
ausverkauft	تمام شده (بلیت/کالا)	Das Konzert ist leider ausverkauft.
die Veranstaltung -en	رویداد، برنامه	Am Wochenende gibt es viele Veranstaltungen in der Stadt.
feiern feierte – hat gefeiert	جشن گرفتن	Nouruz feiern wir mit der ganzen Familie.
das Fest -e	جشن	Das Fest dauert drei Tage.
sich entspannen entspannte sich – hat sich entspannt	آرامش گرفتن، ریلکس کردن	Beim Lesen kann ich mich gut entspannen.
wandern wanderte – ist gewandert	کوه‌پیمایی، پیاده‌روی در طبیعت	Am Freitag sind wir in den Bergen bei Teheran gewandert.
der Ausflug -e	گردش یک‌روزه	Wir machen einen Ausflug an den See.
die Mannschaft -en	تیم	Unsere Mannschaft hat das Spiel gewonnen.
gewinnen / verlieren gewann – hat gewonnen / verlor – hat verloren	بردن / باختن	Wir haben leider 1:2 verloren.
der Kurs -e	کلاس، دوره	Ich mache einen Kochkurs.
Lust haben (auf + A)	حوصله کاری را داشتن	Hast du Lust auf einen Spaziergang?
vorhaben hatte vor – hat vorgehabt	قصد داشتن، برنامه داشتن	Was hast du am Wochenende vor?



روابط و احساسات

Beziehungen und Gefühle

۹

خانواده، دوستی، عشق، دعوا و آشتی. برای نوشتن ایمیل دوستانه و صحبت درباره تجربه‌های شخصی ضروری است.

واژه	معنی	مثال
die Beziehung -en	رابطه	Ich habe eine gute Beziehung zu meinen Eltern.
sich verlieben (in + A) verliebte sich – hat sich verliebt	عاشق شدن	Er hat sich in seine Kollegin verliebt.
heiraten heiratete – hat geheiratet	ازدواج کردن	Sie haben letztes Jahr geheiratet.
die Hochzeit -en	عروسی	Die Hochzeit findet im Sommer statt.
sich trennen (von + D) trennte sich – hat sich getrennt	جدا شدن	Sie haben sich nach fünf Jahren getrennt.
sich streiten stritt sich – hat sich gestritten	دعوا کردن، بحث کردن	Meine Geschwister streiten sich oft.
sich versöhnen versöhnte sich – hat sich versöhnt	آشتی کردن	Nach dem Streit haben wir uns schnell versöhnt.
vertrauen (+ D) vertraute – hat vertraut	اعتماد کردن	Ich vertraue meiner besten Freundin.
eifersüchtig	حسود	Er ist eifersüchtig auf seinen Bruder.
enttäuscht (von + D)	ناامید، دلخور	Ich bin enttäuscht, dass du nicht gekommen bist.
stolz (auf + A)	مفتخر	Meine Eltern sind stolz auf mich.
die Verwandten Pl.	اقوام، خویشاوندان	Zu Nouruz besuchen wir alle Verwandten.
sich Sorgen machen (um + A)	نگران بودن	Mach dir keine Sorgen um mich!
das Gefühl -e	احساس	Ich habe ein gutes Gefühl.
Heimweh haben	دلتنگ وطن بودن	Am Anfang hatte ich in Deutschland oft Heimweh.
einsam	تنها (احساس تنهایی)	Im ersten Winter habe ich mich oft einsam gefühlt.
sich kennenlernen lernte sich kennen – hat sich kennengelernt	با هم آشنا شدن	Wir haben uns im Deutschkurs kennengelernt.
die Freundschaft -en	دوستی	Unsere Freundschaft ist mir sehr wichtig.

Freund/Freundin همراه با ضمیر ملکی (mein Freund) معمولاً یعنی دوست‌پسر/دوست‌دختر. برای دوست معمولی بهتر است بگویید ein guter Freund یا ein Freund von mir.



اداره، بانک و کارهای اداری

Behörden und Bank

۱۰

ثبت نشانی، افتتاح حساب، درخواست ویزا و ترجمه مدارک. این واژه‌ها برای هر ایرانی که قصد مهاجرت دارد حیاتی‌اند.

واژه	معنی	مثال
die Behörde -n	اداره دولتی	Bei der Behörde muss man oft lange warten.
das Formular -e	فرم	Bitte füllen Sie dieses Formular aus.
ausfüllen füllte aus – hat ausgefüllt	پر کردن (فرم)	Ich habe den Antrag online ausgefüllt.
der Antrag -“e	درخواست رسمی	Ich möchte einen Antrag auf Kindergeld stellen.
beantragen beantragte – hat beantragt	رسماً درخواست کردن	Ich muss ein Visum beantragen.
die Unterschrift -en	امضا	Hier fehlt noch Ihre Unterschrift.
sich anmelden meldete sich an – hat sich angemeldet	ثبت‌نام کردن، ثبت نشانی	Nach dem Umzug muss man sich beim Bürgeramt anmelden.
die Aufenthaltserlaubnis -se	اجازه اقامت	Meine Aufenthaltserlaubnis gilt zwei Jahre.
der Ausweis -e	کارت شناسایی	Zeigen Sie bitte Ihren Ausweis.
das Konto Konten	حساب بانکی	Ich möchte ein Konto eröffnen.
überweisen überwies – hat überwiesen	واریز کردن، انتقال دادن	Ich überweise Ihnen das Geld morgen.
die Gebühr -en	هزینه اداری، کارمزد	Die Gebühr beträgt 50 Euro.
die Frist -en	مهلت	Die Frist endet am 31. März.

واژه	معنی	مثال
die Bescheinigung -en	گواهی، تأییدیه	Ich brauche eine Bescheinigung vom Arbeitgeber.
gültig	معتبر	Ihr Pass ist nur noch drei Monate gültig.
beglaubigen beglaubigte – hat beglaubigt	تأیید رسمی کردن (ترجمه/مدرک)	Die Zeugnisse müssen übersetzt und beglaubigt werden.
die Steuer -n	مالیات	Von meinem Gehalt gehen viele Steuern ab.
die Unterlagen Pl.	مدارک	Bringen Sie bitte alle Unterlagen mit.



غذا و رستوران

Essen und Restaurant

۱۱

سفارش غذا، صورت حساب، انعام و توضیح دستور پخت غذاهای ایرانی برای دوستان آلمانی.

واژه	معنی	مثال
die Speisekarte -n	منوی غذا	Könnte ich bitte die Speisekarte haben?
die Vorspeise / Nachspeise -n	پیش غذا / دسر	Als Vorspeise nehme ich eine Suppe.
das Hauptgericht -e	غذای اصلی	Das Hauptgericht war sehr lecker.
die Rechnung -en	صورت حساب	Die Rechnung, bitte!
das Trinkgeld	انعام	In Deutschland gibt man meistens fünf bis zehn Prozent Trinkgeld.
reservieren reservierte – hat reserviert	رزرو کردن	Ich möchte einen Tisch für vier Personen reservieren.
die Bestellung -en	سفارش	Ist das alles? Dann nehme ich Ihre Bestellung auf.
vegetarisch / vegan	گیاهی / وگان	Haben Sie auch vegetarische Gerichte?
scharf	تند	Ist das Essen sehr scharf?
das Rezept -e	دستور پخت	Kannst du mir das Rezept für Ghormeh Sabzi geben?
die Zutat -en	ماده لازم (در آشپزی)	Für dieses Gericht braucht man nur fünf Zutaten.

واژه	معنی	مثال
braten brät, briet – hat gebraten	سرخ کردن	Zuerst brät man die Zwiebeln.
die Portion -en	پُرس	Die Portionen hier sind sehr groß.
satt	سیر	Danke, ich bin wirklich satt.
der Geschmack -e	طعم، سلیقه	Der Geschmack ist ein bisschen sauer.
Zusammen oder getrennt?	با هم حساب می‌کنید یا جدا؟	– Getrennt, bitte.
das Gericht -e	غذا، خوراک	Kebab ist ein typisches iranisches Gericht.
probieren probierte – hat probiert	امتحان کردن، چشیدن	Möchtest du mal probieren?

ویژه فارسی‌زبان‌ها

تعارف ایرانی در آلمان معمولاً جواب نمی‌دهد! اگر میزبان آلمانی پرسید **Möchtest du noch etwas?** و گفتید **Nein, danke**، دیگر اصرار نمی‌کند. اگر می‌خواهید، همان بار اول بگویید **Ja, gern!**

تحصیل و دانشگاه

Schule und Studium

۱۲



برای کسانی که برای تحصیل یا شناسایی مدرک به آلمان می‌روند. این واژه‌ها در نامه‌نگاری با دانشگاه هم کاربرد دارند.

واژه	معنی	مثال
das Studium Studien	تحصیل دانشگاهی	Nach dem Studium möchte ich in Deutschland arbeiten.
der Studienplatz -e	پذیرش، جای تحصیلی	Ich habe einen Studienplatz in München bekommen.
das Fach -er	رشته، درس	Mein Lieblingsfach war Mathe.
die Prüfung -en	امتحان	Morgen schreibe ich eine wichtige Prüfung.
bestehen bestand – hat bestanden	قبول شدن	Ich habe die Prüfung bestanden!
durchfallen fiel durch – ist durchgefallen	رد شدن	Leider ist er in Mathe durchgefallen.

واژه	معنی	مثال
das Zeugnis -se	کارنامه، مدرک	Für die Bewerbung brauche ich meine Zeugnisse.
der Abschluss -e	مدرک پایانی، فارغ التحصیلی	Welchen Abschluss haben Sie?
anerkennen erkannte an – hat anerkannt	به رسمیت شناختن (مدرک)	Mein iranischer Abschluss wurde in Deutschland anerkannt.
das Stipendium Stipendien	بورسیه	Sie hat ein Stipendium bekommen.
die Vorlesung -en	کلاس درس دانشگاهی	Die Vorlesung fängt um neun Uhr an.
die Note -n	نمره	In Deutschland ist 1 die beste Note.
das Semester -	نیم سال تحصیلی	Ich bin im dritten Semester.
die Hausaufgabe -n	تکلیف	Hast du deine Hausaufgaben gemacht?
das Abitur	مدرک پایان دبیرستان (معادل دیپلم)	Nach dem Abitur möchte ich studieren.
die Bibliothek -en	کتابخانه	Ich lerne lieber in der Bibliothek.
sich einschreiben schrieb sich ein – hat sich eingeschrieben	در دانشگاه ثبت نام کردن	Bis Ende September muss ich mich einschreiben.
die Gebühren Pl.	شهریه، هزینه ها	Die Semestergebühren sind nicht sehr hoch.

! studieren یا lernen ؟

lernen یعنی یاد گرفتن / درس خواندن برای امتحان: studieren Ich lerne für die Prüfung. یعنی در دانشگاه تحصیل کردن: Ich studiere für die Prüfung. Ich studiere Medizin. ×

ترکیب‌های رایج (کالوکیشن‌ها)

Kollokationen und feste Verbindungen

آلمانی‌زبان‌ها کلمات را به شکل **بسته‌های ثابت** کنار هم می‌گذارند. می‌گویند **eine Entscheidung treffen** (تصمیم را ملاقات کردن) و نه **machen**. یادگیری این بسته‌ها فرق اصلی متن B1 طبیعی با ترجمه کلمه‌به‌کلمه از فارسی است.



ترکیب اسم و فعل

۳.۱

Nomen-Verb-Verbindungen

این ۳۲ ترکیب در نامه‌های رسمی، اخبار و متن‌های آزمون بیشترین تکرار را دارند. معنی هر ترکیب را به صورت **یک واحد** حفظ کنید.

ترکیب	معنی	مثال
eine Entscheidung treffen	تصمیم گرفتن	Ich muss bis Montag eine Entscheidung treffen.
eine Frage stellen	سؤال پرسیدن	Darf ich Ihnen eine Frage stellen?
einen Antrag stellen	درخواست رسمی دادن	Ich habe einen Antrag auf Wohngeld gestellt.
einen Termin vereinbaren	وقت گرفتن / تعیین کردن	Ich möchte einen Termin vereinbaren.
einen Termin absagen / verschieben	وقت را لغو کردن / عقب انداختن	Leider muss ich den Termin absagen.
eine Rolle spielen	نقش داشتن، مهم بودن	Geld spielt für mich keine große Rolle.
Rücksicht nehmen auf + A	ملاحظه کسی را کردن	Bitte nehmen Sie Rücksicht auf die Nachbarn.
Abschied nehmen von + D	خداحافظی کردن (رسمی/عاطفی)	Am Flughafen haben wir Abschied genommen.
Bescheid sagen / geben	خبر دادن	Sag mir bitte Bescheid, wenn du ankommst.
Kontakt aufnehmen mit + D	تماس برقرار کردن	Bitte nehmen Sie mit uns Kontakt auf.
in Kontakt bleiben	در تماس ماندن	Lass uns in Kontakt bleiben!
zur Verfügung stehen	در دسترس بودن	Für Fragen stehe ich Ihnen gern zur Verfügung.
in Frage kommen	مطرح بودن، قابل قبول بودن	Ein Umzug kommt für mich nicht in Frage.
einen Vorschlag machen	پیشنهاد دادن	Darf ich einen Vorschlag machen?
Erfahrungen sammeln	تجربه کسب کردن	Im Praktikum habe ich viele Erfahrungen gesammelt.
Sport treiben	ورزش کردن	Ich treibe dreimal pro Woche Sport.
eine Prüfung ablegen / bestehen	امتحان دادن / قبول شدن	Ich lege im Mai die B1-Prüfung ab.
Platz nehmen	نشستن (رسمی)	Bitte nehmen Sie Platz.

ترکیب	معنی	مثال
eine Meinung vertreten	از عقیده‌ای دفاع کردن	Ich vertrete die Meinung, dass ...
Kritik üben an + D	انتقاد کردن	Viele üben Kritik an der neuen Regel.
ein Gespräch führen	گفت‌وگو کردن	Ich habe ein langes Gespräch mit dem Chef geführt.
sich Mühe geben	تلاش کردن، زحمت کشیدن	Sie gibt sich viel Mühe beim Lernen.
Wert legen auf + A	اهمیت دادن به	Ich lege großen Wert auf Pünktlichkeit.
Verantwortung übernehmen	مسئولیت پذیرفتن	Er übernimmt die Verantwortung für das Projekt.
Hilfe leisten	کمک کردن (رسمی)	Wer hat Erste Hilfe geleistet?
eine Lösung finden	راه‌حل پیدا کردن	Wir werden bestimmt eine Lösung finden.
einen Rat geben	توصیه کردن	Kannst du mir einen Rat geben?
Zeit verbringen	وقت گذراندن	Ich verbringe viel Zeit mit meiner Familie.
zu Ende bringen	به پایان رساندن	Ich will das Studium zu Ende bringen.
in Ordnung sein	مرتب بودن، اشکالی نداشتن	Ist alles in Ordnung?
Recht haben	حق داشتن، درست گفتن	Da hast du völlig Recht.
eine Ausnahme machen	استثنا قائل شدن	Heute machen wir eine Ausnahme.

صفت + حرف اضافه

۳.۲

Adjektive mit Präpositionen

مثل فعل‌ها، بسیاری از صفت‌ها هم حرف اضافه ثابت دارند: Ich bin **stolz auf** dich.

صفت	معنی
stolz auf + A	مفتخر به
verantwortlich für + A	مسئول
verheiratet mit + D	متاهل با
zufrieden mit + D	راضی از
gespannt auf + A	مشتاق دانستن
typisch für + A	مخصوص، نمونه بارز
wütend auf + A	عصبانی از (کسی)
überzeugt von + D	متقاعد
freundlich zu + D	مهربان با
gut in + D	خوب در (درسی)

صفت	معنی
abhängig von + D	وابسته به
begeistert von + D	شیفته
bekannt für + A	معروف به
beliebt bei + D	محبوب در میان
einverstanden mit + D	موافق با
enttäuscht von + D	ناامید از
fertig mit + D	تمام کرده (کاری را)
froh über + A	خوشحال از
interessiert an + D	علاقه‌مند به
neugierig auf + A	کنجکاو درباره

ویژه فارسی‌زبان‌ها

در فارسی تقریباً همه‌چیز با «کردن» ساخته می‌شود (اشتباه کردن، استراحت کردن، عکس گرفتن). فارسی‌زبان‌ها معمولاً همه را با **machen** ترجمه می‌کنند که گاهی درست و گاهی غلط است. این جدول تله‌های رایج را نشان می‌دهد.

ترکیب درست	معنی	نکته
einen Fehler machen	اشتباه کردن	x einen Fehler tun
Urlaub machen	به تعطیلات رفتن	x Urlaub tun
Pause machen	استراحت کردن	x eine Pause tun
ein Foto machen	عکس گرفتن	x ein Foto nehmen
Hausaufgaben machen	تکلیف انجام دادن	x Hausaufgaben tun
jemandem einen Gefallen tun	لطفی به کسی کردن	tun, نه machen
weh tun	درد کردن	Mein Kopf tut weh.
leid tun	متأسف بودن	Es tut mir leid.
Angst haben	ترسیدن	x Angst machen (= ترساندن)
Hunger / Durst haben	گرسنه / تشنه بودن	x Ich bin Hunger.
Glück haben	شانس آوردن	Da hast du Glück gehabt!
Spaß machen	لذت‌بخش بودن	Deutsch lernen macht mir Spaß.
den Bus nehmen	با اتوبوس رفتن	Ich nehme den Bus um acht.
eine Entscheidung treffen	تصمیم گرفتن	x eine Entscheidung machen

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها

Redewendungen und Sprichwörter



اصطلاحات، زبان شما را زنده و طبیعی می‌کنند. در آزمون B1 لازم نیست خودتان از آن‌ها زیاد استفاده کنید، ولی باید وقتی در متن یا مکالمه می‌شنوید، **منظور** را بفهمید. برای هر اصطلاح، ترجمه تحت‌اللفظی (برای خنده و ماندن در ذهن!) و معادل فارسی‌اش آمده است.

Die Katze im Sack kaufen

تحت‌اللفظی: گربه در گونی خریدن
معادل فارسی: هندوانه در بسته خریدن

Kauf das Auto nicht ohne Probefahrt, sonst kaufst du die Katze im Sack.

Ich verstehe nur Bahnhof.

تحت‌اللفظی: فقط ایستگاه قطار را می‌فهمم.
معادل فارسی: هیچی سر در نمی‌ارم!

Der Lehrer hat so schnell gesprochen – ich habe nur Bahnhof verstanden.

Jemandem die Daumen drücken

تحت‌اللفظی: انگشت شست کسی را فشار دادن
معادل فارسی: برایت دعا می‌کنم، امیدوارم موفق شوی

Morgen ist deine Prüfung? Ich drücke dir die Daumen!

Schwein haben

تحت‌اللفظی: خوک داشتن
معادل فارسی: شانس آوردن

Ich habe den letzten Zug noch erwischt. Schwein gehabt!

Um den heißen Brei herumreden

تحت‌اللفظی: دور فرنی داغ حرف زدن
معادل فارسی: حاشیه رفتن

Red nicht um den heißen Brei herum, sag mir die Wahrheit!

Die Nase voll haben

تحت‌اللفظی: دماغ پر بودن
معادل فارسی: کارد به استخوان رسیدن، خسته شدن از

Ich habe die Nase voll von diesem Regen!

Ende gut, alles gut.

تحت‌اللفظی: پایان خوب، همه چیز خوب
معادل فارسی: شاهنامه آخرش خوش است.

Wir hatten viele Probleme, aber Ende gut, alles gut!

Etwas auf die lange Bank schieben

تحت‌اللفظی: چیزی را روی نیمکت بلند هل دادن
معادل فارسی: امروز و فردا کردن

Du schiebst deine Bewerbung schon seit Wochen auf die lange Bank.

Ein Auge zudrücken

تحت‌اللفظی: یک چشم را بستن
معادل فارسی: چشم‌پوشی کردن، کوتاه آمدن

Diesmal drücke ich noch ein Auge zu.

Den Nagel auf den Kopf treffen

تحت‌اللفظی: میخ را درست روی سرش زدن
معادل فارسی: زدی تو خال!

Mit deiner Antwort hast du den Nagel auf den Kopf getroffen.

Jemandem auf den Keks gehen

تحت اللفظی: روی بیسکویت کسی رفتن
معادل فارسی: روی اعصاب کسی رفتن

Der laute Nachbar geht mir echt auf den Keks.

Ins Fettnäpfchen treten

تحت اللفظی: توی ظرف چربی پا گذاشتن
معادل فارسی: سوتی دادن، گاف دادن

Ich habe sie nach ihrem Mann gefragt – sie ist geschieden. Da bin ich ins Fettnäpfchen getreten.

Tomaten auf den Augen haben

تحت اللفظی: روی چشم‌ها گوجه داشتن
معادل فارسی: جلوی چشمش را نمی‌بیند

Die Brille liegt doch vor dir! Hast du Tomaten auf den Augen?

Das ist nicht mein Bier.

تحت اللفظی: این آبجوی من نیست.
معادل فارسی: به من ربطی ندارد.

Wie er sein Geld ausgibt, ist nicht mein Bier.

Mit links

تحت اللفظی: با دست چپ
معادل فارسی: مثل آب خوردن

Diese Aufgabe mache ich mit links.

Auf dem Holzweg sein

تحت اللفظی: در راه چوبی بودن
معادل فارسی: سخت در اشتباه بودن

Wenn du glaubst, dass Deutsch leicht ist, bist du auf dem Holzweg.

Jemandem einen Bären aufbinden

تحت اللفظی: خرسی را به کسی بستن
معادل فارسی: سر کسی شیره مالیدن

Du willst mir einen Bären aufbinden! Das glaube ich nicht.

Auf Wolke sieben schweben

تحت اللفظی: روی ابر هفتم شناور بودن
معادل فارسی: توی آسمان‌ها بودن (از خوشحالی)

Seit sie verliebt ist, schwebt sie auf Wolke sieben.

Alles in Butter

تحت اللفظی: همه‌چیز در کره
معادل فارسی: همه‌چیز روبه‌راه است

Keine Sorge, alles in Butter!

Unter vier Augen

تحت اللفظی: زیر چهار چشم
معادل فارسی: دونفره، خصوصی

Können wir kurz unter vier Augen sprechen?

Kopf hoch!

تحت اللفظی: سر بالا!
معادل فارسی: غصه نخور، سرت را بالا بگیر!

Kopf hoch, beim nächsten Mal klappt es bestimmt.

Lampenfieber haben

تحت اللفظی: تب چراغ داشتن
معادل فارسی: استرس اجرا یا صحبت جلوی جمع

Vor der Präsentation hatte ich großes Lampenfieber.

Übung macht den Meister.

تحت اللفظی: تمرین، استاد می‌سازد.
معادل فارسی: کار نیکو کردن از پر کردن است.

Du sprichst schon viel besser. Übung macht den Meister!

Jetzt geht es um die Wurst.

تحت اللفظی: الان پای سوسیس در میان است.
معادل فارسی: الان لحظه سرنوشت‌ساز است.

Das ist das letzte Spiel – jetzt geht es um die Wurst!

Morgenstund hat Gold im Mund.

تحت اللفظی: ساعت صبح طلا در دهان دارد.
معادل فارسی: سحرخیز باش تا کامروا باشی.

Ich lerne immer früh am Morgen. Morgenstund hat Gold im Mund!

Aller Anfang ist schwer.

تحت اللفظی: هر شروعی سخت است.
معادل فارسی: هر شروعی سخته.

Die ersten Wochen in Deutschland waren hart, aber aller Anfang ist schwer.

Wer A sagt, muss auch B sagen.

تحت اللفظی: هر که A بگوید باید B هم بگوید.
معادل فارسی: کاری را که شروع کردی، تمام کن.

Du hast dich angemeldet – wer A sagt, muss auch B sagen.

Lügen haben kurze Beine.

تحت اللفظی: دروغ پاهای کوتاهی دارد.
معادل فارسی: دروغگو زود رسوا می‌شود.

Er hat wieder gelogen, aber Lügen haben kurze Beine.

Sich zum Affen machen

تحت اللفظی: خود را میمون کردن
معادل فارسی: خود را مسخره دیگران کردن

Mit dem Kostüm mache ich mich doch zum Affen!

Hals- und Beinbruch!

تحت اللفظی: گردن شکستگی و پاشکستگی!
معادل فارسی: موفق باشی! (قبل از اجرا یا امتحان)

Heute ist dein Konzert? Hals- und Beinbruch!

نکته

اصطلاحات را با تصویر ذهنی ترجمه تحت اللفظی حفظ کنید. تصور کردن کسی که روی چشم‌هایش گوجه گذاشته (Tomaten auf den Augen) خیلی راحت‌تر از حفظ کردن معنی خشک در ذهن می‌ماند.

⚠ اشتباه رایج

اصطلاحاتی مثل *Das ist nicht mein Bier* یا *auf den Keks gehen* محاوره‌ای هستند. در نامه رسمی آزمون (Schreiben) Teil ۳ از آن‌ها استفاده نکنید.

متن‌های خواندنی

Lesetexte mit Übungen



چهار متن در قالب‌های واقعی آزمون: ایمیل شخصی، مقاله روزنامه، نظرات یک فروم و متن اطلاع‌رسانی. اول متن را بدون واژه‌نامه بخوانید و حدس بزنید، بعد واژه‌های کلیدی را ببینید و به سؤال‌ها جواب دهید. پاسخ‌ها در انتهای کتابچه است.

ایمیل ندا از کلن

Eine E-Mail aus Köln

۵.۱



ایمیل دوستانه · مانند ۱ Lesen Teil

Von: neda.k@mail.de **An:** sara.shiraz@mail.com **Betreff:** Endlich Zeit für dich!

Liebe Sara,

wie geht es dir? Entschuldige bitte, dass ich mich so lange nicht gemeldet habe. Die letzten Wochen waren total stressig, aber jetzt habe ich endlich ein bisschen Zeit.

Wie du weißt, mache ich seit September eine Ausbildung zur Pflegefachfrau in einem Krankenhaus in Köln. Am Anfang war alles neu und ich hatte oft Angst, Fehler zu machen. Die Patienten sprechen manchmal sehr schnell oder Dialekt, und dann verstehe ich nur Bahnhof! Zum Glück sind meine Kolleginnen sehr nett und erklären mir alles geduldig. Besonders Frau Becker, meine Anleiterin, hilft mir viel.

Die Wohnungssuche war leider ein Albtraum. Nachdem ich fast fünfzig E-Mails an Vermieter geschrieben hatte, habe ich endlich ein Zimmer in einer WG gefunden. Ich wohne jetzt mit zwei Studentinnen zusammen, Lena und Marie. Wir kochen oft gemeinsam, und letzte Woche habe ich für sie Ghormeh Sabzi gemacht. Sie waren total begeistert!

Natürlich habe ich manchmal Heimweh, vor allem am Wochenende. Ich vermisse das Essen meiner Mutter und unsere langen Abende mit der Familie. Aber ich weiß, dass sich die harte Arbeit lohnen wird.

Hast du schon entschieden, ob du nächstes Jahr auch nach Deutschland kommst? Wenn du willst, kann ich dir bei der Bewerbung helfen. Schreib mir bald!

Viele liebe Grüße

deine Neda

مربی کارآموزی	die Anleiterin	خبر دادن، تماس گرفتن	sich melden
کابوس	der Albtraum	با حوصله	geduldig
دلتنگ ... بودن	vermissen	هیجان‌زده، شیفته	begeistert
درخواست، اپلای	die Bewerbung	ارزشش را داشتن	sich lohnen

درست (R) یا نادرست (F)؟

Neda hat sich lange nicht bei Sara gemeldet.	R F
Neda versteht die Patienten immer sehr gut.	R F
Neda hat schnell eine Wohnung gefunden.	R F
Nedas Mitbewohnerinnen hat das iranische Essen geschmeckt.	R F
Neda arbeitet in einer Arztpraxis.	R F
Neda bietet Sara Hilfe bei der Bewerbung an.	R F

دورکاری: رؤیا یا کابوس؟

۵.۲

Ein Zeitungsartikel

مقاله روزنامه · مانند ۲ Teil Lesen

Homeoffice – Traum oder Albtraum?

Seit der Corona-Pandemie hat sich die Arbeitswelt stark verändert. In Deutschland arbeitet heute fast jeder vierte Beschäftigte zumindest teilweise von zu Hause aus. Doch ist das wirklich so positiv, wie viele denken?

Für Thomas Krüger, 38, ist das Homeoffice ein großer Vorteil. „Früher habe ich jeden Tag fast zwei Stunden im Stau gestanden. Diese Zeit verbringe ich jetzt mit meinen Kindern“, erzählt der IT-Spezialist. Außerdem kann er sich zu Hause besser konzentrieren, weil es im Büro oft laut war.

Andere sehen die Situation kritischer. Die Psychologin Dr. Anna Hoffmann warnt: „Viele Menschen können Arbeit und Freizeit nicht mehr trennen. Sie lesen abends noch E-Mails und fühlen sich ständig erreichbar.“ Auch der Kontakt zu den Kollegen fehlt. Wer nur allein am Laptop sitzt, kann sich schnell einsam fühlen.

Viele Firmen haben deshalb ein Modell gefunden, das beide Seiten berücksichtigt: Die Mitarbeiter arbeiten zwei oder drei Tage pro Woche im Büro und den Rest der Woche zu Hause. Experten nennen das „hybrides Arbeiten“. Ob dieses Modell die Zukunft ist, wird sich in den nächsten Jahren zeigen.

شاغل	der/die Beschäftigte	دنیای کار	die Arbeitswelt
در ترافیک ماندن	im Stau stehen	تا حدی، بخشی	teilweise
در دسترس	erreichbar	هشدار دادن	warnen
معلوم شدن	sich zeigen	در نظر گرفتن	berücksichtigen

گزینه درست را انتخاب کنید. 🗳️

1. 1. Was ist für Thomas Krüger der größte Vorteil?

- a) Er verdient mehr Geld.
- b) Er hat mehr Zeit für seine Familie.
- c) Er muss weniger arbeiten.

2. 2. Was kritisiert Dr. Hoffmann?

- a) Viele trennen Arbeit und Freizeit nicht mehr.
- b) Die Leute arbeiten zu wenig.
- c) Laptops sind zu teuer.

3. 3. Was bedeutet „hybrides Arbeiten“?

- a) Nur im Büro arbeiten.
- b) Nur zu Hause arbeiten.
- c) Teils im Büro, teils zu Hause arbeiten.



بچه‌ها از چند سالگی گوشی داشته باشند؟

۵.۳

Meinungen im Forum

نظرات فروم · مشابه ۴ Teil Lesen

Forum: Ab welchem Alter sollten Kinder ein eigenes Smartphone haben?

Markus, Hamburg

Meine Tochter ist neun und alle ihre Freundinnen haben schon ein Handy. Trotzdem finde ich, dass sie noch zu jung ist. Kinder sollten draußen spielen, statt stundenlang auf einen Bildschirm zu schauen. Ich denke, mit zwölf Jahren ist früh genug.

Leyla, Wien

Ich sehe das anders. Mein Sohn fährt allein mit dem Bus zur Schule, und mit dem Handy kann er mich jederzeit anrufen. Das gibt mir Sicherheit. Wichtig ist aber, dass Eltern klare Regeln machen, zum Beispiel: kein Handy beim Essen und nicht nach 20 Uhr.

Kamran, Teheran

Bei uns im Iran haben viele Kinder schon früh ein Smartphone, oft wegen des Online-Unterrichts. Ich glaube, das Problem ist nicht das Gerät selbst, sondern wie man es benutzt. Eltern sollten mit ihren Kindern über die Gefahren im Internet sprechen und selbst ein gutes Vorbild sein.

واژه‌های کلیدی متن

به جای این که	statt ... zu	مال خود، شخصی	eigen
امنیت، اطمینان	die Sicherheit	هر وقت	jederzeit
کلاس درس، آموزش	der Unterricht	قانون	die Regel
الگو	das Vorbild	خطر	die Gefahr

👉 چه کسی این را می‌گوید؟ Kamran یا Markus، Leyla؟

۱. Eltern sollten selbst zeigen, wie man das Handy richtig benutzt.

۲. Ein Handy ist gut für die Sicherheit der Kinder.

۳. Kinder sollten mehr Zeit draußen verbringen.

۴. Feste Regeln für die Handynutzung sind wichtig.



تفکیک زبانه در آلمان

۵.۴

Ein Informationstext

متن اطلاع‌رسانی - مشابه ۵ Lesen Teil

Mülltrennung in Deutschland – so funktioniert's

Wer neu nach Deutschland kommt, wundert sich oft: Vor fast jedem Haus stehen mehrere bunte Mülltonnen. Die Deutschen trennen ihren Müll sehr genau, und wer das nicht tut, bekommt schnell Ärger mit den Nachbarn oder dem Vermieter.

Die **blaue Tonne** ist für Papier und Karton, zum Beispiel für Zeitungen oder Verpackungen aus Pappe. In die **gelbe Tonne** oder den gelben Sack kommen Verpackungen aus Plastik und Metall, etwa Joghurtbecher oder Konservendosen. Essensreste sowie Obst- und Gemüseschalen gehören in die **braune Biotonne**. Alles andere, zum Beispiel Windeln oder kaputtes Geschirr, wirft man in die **schwarze oder graue Restmülltonne**.

Glas wird extra gesammelt: Man bringt leere Flaschen und Gläser zu großen Containern, getrennt nach Weiß-, Braun- und Grünglas. Flaschen mit Pfand gibt man dagegen im Supermarkt zurück und bekommt dafür Geld – je nach Flasche zwischen 8 und 25 Cent.

Die Farben können je nach Stadt etwas unterschiedlich sein. Deshalb fragt man am besten beim Vermieter nach oder informiert sich auf der Website der Stadt.

واژه‌های کلیدی متن

سطل بزرگ زباله	die Tonne	تعجب کردن	sich wundern
پوست (میوه)	die Schale	بسته‌بندی	die Verpackung
ودیه (بطری)	das Pfand	ظروف	das Geschirr
اطلاعات کسب کردن	sich informieren	در عوض، برعکس	dagegen

درست (R) یا نادرست (F)؟

In die gelbe Tonne kommen Plastikverpackungen.	R F
Kaputtes Geschirr gehört in die Biotonne.	R F
Für Pfandflaschen bekommt man im Supermarkt Geld zurück.	R F
Die Farben der Tonnen sind in allen Städten genau gleich.	R F



راهنمای آزمون خواندن و شنیدن

Strategien für Lesen und Hören

۵.۵

دانستن واژه و گرامر نیمی از ماجراست؛ نیم دیگر این است که بدانید هر بخش آزمون دقیقاً چه چیزی از شما می‌خواهد. این خلاصه را قبل از هر آزمون نمونه مرور کنید.

بخش	نوع متن	چه کار کنم؟
Lesen 1	وبلاگ یا ایمیل شخصی	اول جمله‌های سؤال را بخوانید، بعد متن را؛ ترتیب سؤال‌ها معمولاً با ترتیب متن یکی است.
Lesen 2	دو مقاله کوتاه روزنامه	دنبال کلمات هم‌معنی بگردید؛ جواب درست تقریباً هیچ‌وقت همان کلمات متن نیست.
Lesen 3	آگهی‌ها و موقعیت‌ها	برای هر نفر، نیاز اصلی‌اش را (مکان، زمان، قیمت) زیر خط بکشید؛ یک موقعیت جواب ندارد.
Lesen 4	نظر چند نفر درباره یک موضوع	فقط تشخیص دهید هر نفر موافق است یا مخالف؛ به aber و trotzdem دقت کنید.
Lesen 5	مقررات و دستورالعمل	سؤال‌ها درباره جزئیات‌اند؛ دنبال اعداد، زمان‌ها و کلمه‌هایی مثل nur, nicht, muss بگردید.
Hören 1	پیام‌ها و اعلان‌های کوتاه	هر متن دو بار پخش می‌شود؛ اطلاعات اصلی اغلب در آخر پیام عوض می‌شود.
Hören 2	تور یا سخنرانی کوتاه	فقط یک بار پخش می‌شود؛ قبل از شروع، کلیدواژه‌های سؤال‌ها را علامت بزنید.
Hören 3	گفت‌وگوی روزمره	یک بار پخش می‌شود؛ درست/نادرست. حواستان به nicht mehr و noch nicht باشد.
Hören 4	بحث رادیویی با مجری و دو مهمان	دو بار پخش می‌شود؛ صدای هر گوینده را در همان دقیقه اول بشناسید.

نکته

در خانه با زمان‌سنج تمرین کنید. در بخش خواندن برای هر قسمت حدود ۱۲ دقیقه وقت دارید. اگر جواب سؤال‌ها را نمی‌دانید، رد شوید و آخر کار برگردید؛ جای خالی هیچ امتیازی ندارد، پس هیچ سؤال‌ها را بی‌جواب نگذارید.

جمله‌های کاربردی، مکالمه و نوشتن

Redemittel, Sprechen und Schreiben

این بخش جعبه‌ابزار شما برای دو مهارت تولیدی است. جمله‌های آماده را حفظ کنید، نمونه‌ها را بلند بخوانید و بعد همان قالب را با موضوع خودتان بازسازی کنید.

Hallo!

سلام

Hallo!

سلام

جمله‌های آماده (Redemittel)

۶.۱

Redemittel für Diskussion und Alltag

موافقت

Da hast du Recht.

حق با توست.

Das sehe ich genauso.

من هم همین نظر را دارم.

Ich bin ganz deiner Meinung.

کاملاً با تو موافقم.

Genau! / Stimmt!

دقیقاً! / درسته!

نظر دادن

Ich bin der Meinung, dass ...

به نظر من ...

Meiner Meinung nach ...

از نظر من ...

Ich finde / glaube, dass ...

فکر می‌کنم که ...

Aus meiner Sicht ...

از دید من ...

پیشنهاد دادن

Wie wäre es, wenn wir ...?

چطور است که ...؟

Wir könnten ...

می‌توانیم ...

Ich schlage vor, dass ...

پیشنهاد می‌کنم که ...

Was hältst du davon, wenn ...?

نظرت چیست اگر ...؟

مخالفت مؤدبانه

Das sehe ich anders.

من طور دیگری فکر می‌کنم.

Da bin ich anderer Meinung.

در این مورد نظرم فرق دارد.

Das stimmt zwar, aber ...

درست است، اما ...

Ich bin nicht sicher, ob ...

مطمئن نیستم که ...

واکنش به پیشنهاد

Gute Idee! / Einverstanden.

فکر خوبیه! / موافقم.

Das passt mir gut.

برای من مناسب است.

Das geht leider nicht, weil ...

متأسفانه نمی‌شود، چون ...

Lass uns lieber ...

بهتره به جایش ...

دوباره پرسیدن

Wie bitte?

ببخشید، چی گفتید؟

Könnten Sie das bitte wiederholen?

ممکن است لطفاً تکرار کنید؟

Was meinst du damit?

منظورت چیست؟

Habe ich richtig verstanden, dass ...?

درست فهمیدم که ...؟

مزایا و معایب

Ein großer Vorteil ist, dass ...

یک مزیت بزرگ این است که ...

Der Nachteil ist, dass ...

عیبش این است که ...

Auf der einen Seite ... auf der anderen Seite ...

از یک طرف ... از طرف دیگر ...

Im Vergleich zu ...

در مقایسه با ...

وقت خریدن برای فکر

Lass mich kurz überlegen.

بگذار کمی فکر کنم.

Das ist eine gute Frage.

سؤال خوبی است.

Wie soll ich sagen ...

چطور بگویم ...

Also, ich denke ...

خب، فکر می‌کنم ...

نکته

به جای حفظ کردن ۲۰۰ جمله، از هر گروه دو جمله را آن قدر تمرین کنید که بی فکر به زبانتان بیاید. ممتحن به تنوع و روانی نمره می‌دهد، نه به تعداد عبارتهای حفظی.

آزمون شفاهی، بخش اول: برنامه‌ریزی مشترک

۶.۲

Sprechen Teil 1: Gemeinsam etwas planen

در این بخش شما و هم‌گروهتان باید با هم یک کار را برنامه‌ریزی کنید (حدود ۳ دقیقه). روی برگه آزمون چند سؤال راهنما هست: کی؟ کجا؟ چه چیزی لازم است؟ چه کسی چه کاری انجام می‌دهد؟

موضوع نمونه

همکاران، آقای وبر، بعد از ۲۰ سال بازنشسته می‌شود. شما و همکاران می‌خواهید یک مهمانی خداحافظی برایش ترتیب دهید.

Reza Julia, du weißt ja, dass Herr Weber nächsten Monat in Rente geht. Wollen wir eine kleine Abschiedsfeier für ihn organisieren?

Julia Ja, gute Idee! Wann sollen wir die Feier machen? Was meinst du?

- Reza** Wie wäre es mit seinem letzten Arbeitstag, also Freitag, dem 28.?
- Julia** Hm, freitags gehen viele Kollegen früh nach Hause. Wir könnten die Feier lieber am Donnerstagnachmittag machen.
- Reza** Einverstanden. Und wo? Im Büro ist es ein bisschen eng.
- Julia** Ich schlage vor, dass wir den Konferenzraum im dritten Stock nehmen. Der ist groß genug.
- Reza** Perfekt. Was ist mit dem Essen? Sollen wir etwas bestellen?
- Julia** Bestellen ist teuer. Was hältst du davon, wenn jeder etwas mitbringt?
- Reza** Das finde ich super. Ich kann persischen Reis mit Safran und Hähnchen mitbringen.
- Julia** Lecker! Und wir brauchen noch ein Geschenk. Er wandert doch so gern.
- Reza** Stimmt! Vielleicht kaufen wir ihm einen guten Rucksack. Ich sammle das Geld bei den Kollegen.
- Julia** Und ich schreibe die Einladung und kümmere mich um die Dekoration. Dann haben wir alles, oder?

نکته 

به ساختار گفت‌وگو دقت کنید: هر نفر پیشنهاد می‌دهد، به پیشنهاد دیگری واکنش نشان می‌دهد و آخر کار وظایف را تقسیم می‌کنند. مخالفت کردن و دلیل آوردن (مثل جملهٔ چهارم) امتیاز دارد.

آزمون شفاهی، بخش دوم: ارائهٔ یک موضوع

۶.۳

Sprechen Teil 2: Ein Thema präsentieren

شما حدود ۳ دقیقه دربارهٔ یک موضوع صحبت می‌کنید. ساختار پنج اسلایدی ثابت است و همیشه یکی از اسلایدها دربارهٔ وضعیت در کشور خودتان است. نمونهٔ زیر را با هر موضوعی می‌توانید بازسازی کنید.

موضوع نمونه 

Online lernen – eine gute Alternative zum Unterricht im Kursraum?

اسلاید ۱ · معرفی موضوع

Ich möchte heute über das Thema „Online lernen“ sprechen. Zuerst erzähle ich von meinen eigenen Erfahrungen, dann berichte ich über die Situation im Iran. Danach spreche ich über die Vor- und Nachteile, und am Ende sage ich meine Meinung.

اسلاید ۲ · تجربهٔ شخصی

Ich habe selbst meinen ersten Deutschkurs online gemacht, weil es in meiner Stadt keine gute Sprachschule gab. Am Anfang war das ungewohnt, aber ich konnte von zu Hause lernen und habe viel Zeit gespart.

Im Iran ist Online-Lernen in den letzten Jahren sehr populär geworden. Viele Menschen lernen Sprachen mit Apps, Videos oder in Online-Kursen. Ein Problem ist aber, dass das Internet manchmal langsam oder instabil ist.

Ein großer Vorteil ist, dass man flexibel ist und Kurse oft günstiger sind. Auf der anderen Seite fehlt der persönliche Kontakt, und man braucht viel Disziplin. Meiner Meinung nach ist eine Mischung aus Online- und Präsenzunterricht ideal.

Zum Schluss möchte ich sagen: Online lernen ist eine gute Möglichkeit, aber es kann den Kursraum nicht ganz ersetzen. Vielen Dank für Ihre Aufmerksamkeit! Haben Sie noch Fragen?

آزمون شفاهی، بخش سوم: بازخورد و سؤال

Sprechen Teil 3: Über ein Thema sprechen

۶.۴

بعد از ارائه هم‌گروهتان باید یک بازخورد کوتاه بدهید و یک سؤال بپرسید. سپس خودتان به سؤال او و ممتحن جواب می‌دهید.

بازخورد و سؤال

Vielen Dank für deine interessante Präsentation.

ممنون از ارائه جالبت.

Besonders gut hat mir gefallen, dass ...

مخصوصاً از این خوشم آمد که ...

Ich wusste nicht, dass ...

نمی‌دانستم که ...

Ich habe eine Frage: ...

یک سؤال دارم: ...

Wie ist das eigentlich bei dir?

راستی، این موضوع برای تو چطور است؟



نوشتن، بخش اول: ایمیل دوستانه

Schreiben Teil 1: Eine persönliche E-Mail (ca. 80 Wörter)

۶.۵

🎯 صورت سؤال نمونه

هفته گذشته در عروسی پسرعمویتان در ایران بودید. به دوستان یوناس بنویسید: (۱) عروسی را توصیف کنید. (۲) بگویید چرا برایتان جالب بود. (۳) برای یک دیدار پیشنهاد بدهید.

نمونه پاسخ (حدود ۹۰ کلمه)

Lieber Jonas,

wie geht's dir? Ich bin gerade aus dem Iran zurückgekommen, weil mein Cousin Amir letzte Woche geheiratet hat. Die Hochzeit war riesig: Über 300 Gäste haben bis spät in die Nacht gefeiert, getanzt und unglaublich viel gegessen.

Besonders schön fand ich, dass ich nach drei Jahren endlich meine ganze Familie wiedergesehen habe. Außerdem war die Musik fantastisch!

Ich habe dir übrigens Pistazien und Safran mitgebracht. Hast du am Samstag Zeit? Wir könnten zusammen frühstücken, dann zeige ich dir die Fotos.

Liebe Grüße
Sara

💡 چک لیست ایمیل دوستانه

✓ خطاب و سلام دوستانه (... Lieber/Liebe, بعد از ویrgol جمله با حرف کوچک شروع می شود) ✓ به هر سه نکته سؤال جواب بدهید ✓ دست کم ۳ کلمه ربط (weil, außerdem, dann) ✓ جمله پایانی و Liebe Grüße

نوشتن، بخش دوم: نظر در فروم

Schreiben Teil 2: Ein Forumsbeitrag (ca. 80 Wörter)

۶.۶

🎯 صورت سؤال نمونه

در یک برنامه تلویزیونی درباره «لباس فرم مدرسه» بحث شده است. در صفحه اینترنتی برنامه نظراتان را بنویسید:
Sollten Schüler eine Schuluniform tragen?

Ich komme aus dem Iran, und dort tragen alle Schüler eine Uniform. Deshalb kenne ich das Thema sehr gut.

Meiner Meinung nach hat eine Schuluniform viele Vorteile. Alle Schüler sehen gleich aus, sodass niemand wegen seiner Kleidung ausgelacht wird. Außerdem müssen die Eltern nicht jedes Jahr viel Geld für Markenkleidung ausgeben.

Auf der anderen Seite können Jugendliche ihre Persönlichkeit nicht so gut zeigen. Das finde ich schade. Trotzdem bin ich insgesamt für Schuluniformen, weil sie mehr Gleichheit in die Schule bringen.

ساختار پیشنهادی

۱. یک جمله مقدمه (ارتباط شخصی با موضوع) ← ۲. نظر اصلی + دو دلیل ← ۳. یک نکته مخالف
۴. جمع بندی با Trotzdem یا Insgesamt. (Auf der anderen Seite ...)

نوشتن، بخش سوم: ایمیل رسمی

۶.۷

Schreiben Teil 3: Eine formelle E-Mail (ca. 40 Wörter)

صورت سؤال نمونه

شما فردا نمی‌توانید به کلاس آلمانی بروید. به معلمتان، خانم شولتس، بنویسید. مؤدبانه عذرخواهی کنید و دلیلتان را توضیح دهید.

نمونه پاسخ (حدود ۵۰ کلمه)

Sehr geehrte Frau Schulz,

leider kann ich morgen nicht am Unterricht teilnehmen, weil ich einen wichtigen Termin bei der Ausländerbehörde habe. Das tut mir sehr leid.

Könnten Sie mir bitte mitteilen, welche Hausaufgaben wir bekommen? Dann kann ich alles nachholen.

Mit freundlichen Grüßen

Reza Ahmadi

رسمی (formell)	دوستانه (informell)	
Sehr geehrter Herr Weber, / Sehr geehrte Frau Sehr geehrte Damen und Herren, یا Schulz,	Hallo Jonas, یا Lieber Jonas, / Liebe Sara,	خطاب
Sie / Ihr / Ihnen (همیشه با حرف بزرگ)	du / dein / dir	ضمیر

رسمی (formell)	دوستانه (informell)	
Ich freue mich auf Ihre Antwort. / Vielen Dank im Voraus.	Schreib mir bald! / Ich freue mich auf dich.	جمله پایانی
Mit freundlichen Grüßen	Liebe Grüße / Viele Grüße / Bis bald	خداحافظی

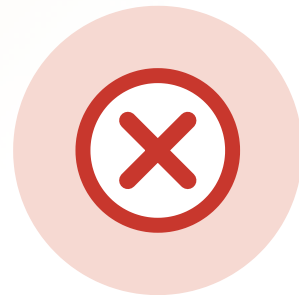
⚠ اشتباه رایج

در ایمیل رسمی هرگز ضمیر **du** را با **Sie** قاطی نکنید. این یکی از رایج‌ترین دلایل‌های کم شدن نمره در بخش سوم است.

اشتباهات رایج فارسی‌زبان‌ها

Typische Fehler und Aussprache

این‌ها اشتباه‌هایی هستند که معلم‌های آلمانی بارها در نوشته و گفتار زبان‌آموزان ایرانی می‌بینند. بیشترشان از ترجمه ذهنی فارسی به آلمانی می‌آیند. قبل از آزمون این صفحه را حتماً مرور کنید.



اشتباه ✗	درست ✓	چرا؟
~~Gestern ich bin ins Kino gegangen.~~	Gestern bin ich ins Kino gegangen.	فعل همیشه در جایگاه دوم جمله اصلی است؛ اگر قید زمان اول بیاید، فاعل بعد از فعل می‌آید.
~~..., weil ich habe keine Zeit.~~	..., weil ich keine Zeit habe .	بعد از weil فعل به آخر می‌رود.
~~Ich habe nach Hause gegangen.~~	Ich bin nach Hause gegangen.	فعل‌های حرکتی در Perfekt با sein می‌آیند.
~~Ich habe kalt.~~	Mir ist kalt.	ترجمه مستقیم «سردمه» نکنید. احساس سرما و گرما با Dativ + sein بیان می‌شود.
~~Ich bin 25 Jahre.~~	Ich bin 25 Jahre alt .	کلمه alt را جا نیندازید.
~~Ich vermissee dich.~~	Ich vermissee dich .	vermissen مفعول Akkusativ می‌گیرد («دلم برایت تنگ شده» را کلمه به کلمه ترجمه نکنید).
~~Ich helfe dich.~~	Ich helfe dir .	helfen با Dativ می‌آید.
~~Er hat mir gefragt.~~	Er hat mich gefragt.	fragen با Akkusativ می‌آید، برخلاف فارسی که می‌گوییم «از من پرسید».
~~Ich warte für dich.~~	Ich warte auf dich.	حرف اضافه warten همیشه auf است.
~~Ich freue mich für den Urlaub.~~	Ich freue mich auf den Urlaub.	برای انتظار آینده auf ؛ برای چیزی که اتفاق افتاده über .
~~Seit drei Jahren habe ich in Teheran gewohnt.~~	Seit drei Jahren wohne ich in Teheran.	کاری که از گذشته شروع شده و ادامه دارد با seit در زمان حال می‌آید؛ درست مثل «سه سال است که ... زندگی می‌کنم».
~~Ich gehe zu Hause.~~	Ich gehe nach Hause. / Ich bin zu Hause.	nach Hause = به خانه (حرکت)؛ zu Hause = در خانه (مکان).
~~Ich mache eine Entscheidung.~~	Ich treffe eine Entscheidung.	هر «کردن» فارسی machen نیست؛ بخش کالوکیشن‌ها را ببینید.
~~Ich studiere für die Prüfung.~~	Ich lerne für die Prüfung.	studieren فقط برای تحصیل در دانشگاه است.
~~Ich weiß nicht, wenn er kommt.~~	Ich weiß nicht, ob er kommt.	«آیا» = ob ، «اگر/وقتی» = wenn .
~~Das ist der Mann, den ich kenne.~~	Das ist der Mann, den ich kenne.	در جمله موصولی ضمیر را تکرار نکنید (برخلاف «که می‌شناسمش»).

حرف	تلفظ تقریبی	مثال
ä	مثل «ا» کشیده	Mädchen, Käse
ö	«ا» با لب‌های گرد	schön, hören
ü	«ای» با لب‌های گرد	über, müde
ei	«آی»	mein, Arbeit
ie	«ای» کشیده	Liebe, viel
eu / äu	«آی»	heute, Häuser
ch (بعد از a, o, u)	«خ»	Buch, machen
ch (بعد از i, e, ä, ö, ü)	صدایی نرم بین «ش» و «خ»	ich, Milch
sp / st (اول کلمه)	«شپ» / «شت»	Sport, Straße
z	«تس»	Zeit, Zimmer
v	معمولاً «ف»	Vater, viel
w	«و»	Wasser, wie

ویژه فارسی‌زبان‌ها

فارسی‌زبان‌ها معمولاً قبل از خوشه‌های صامت ابتدای کلمه یک «ا» اضافه می‌کنند: «اِشپورت» یا «اِستودنت». سعی کنید Sport را بدون مصوت اول، با «ش» شروع کنید. همچنین b, d, g در آخر کلمه بی‌واک تلفظ می‌شوند: Tag ← «تاک»، Kind ← «کینت».

پاسخ تمرین‌ها

Lösungen



پاسخ‌ها را فقط بعد از حل کامل تمرین نگاه کنید. اگر در یک تمرین بیش از دو اشتباه داشتید، درس مربوط را یک بار دیگر بخوانید.

تمرین ۱

1. bin ... gekommen
2. haben ... gesehen
3. hat ... studiert
4. konnte
5. bist ... aufgestanden
6. gab

تمرین ۲

1. gegessen hatten
2. geschlafen hatte
3. werde ... sein
4. war ... gesunken

تمرین ۳

1. ..., weil ich keine Zeit habe.
2. Sie geht arbeiten, obwohl sie erkältet ist.
3. Weißt du, ob Ali heute kommt?
4. Ich hoffe, dass du die Prüfung bestehst.
5. Können Sie mir sagen, wann der Bus abfährt?

تمرین ۴

1. Als
2. Wenn
3. wenn
4. Als
5. Wenn

تمرین ۵

1. um ... zu
2. damit
3. um ... zu
4. damit

تمرین ۶

1. das
2. der
3. denen
4. deren
5. der

تمرین ۷

1. hätte ... würde
2. Könnten
3. wäre
4. hätte
5. wäre ... hätte

تمرین ۸

1. In Deutschland wird der Müll getrennt.
2. Der Patient wurde (vom Arzt) untersucht.
3. Das Formular muss bis Freitag abgegeben werden.
4. Der Kuchen ist (von den Kindern) gegessen worden.

تمرین ۹

1. neuen
2. kleinen
3. beste
4. alten
5. heißen ... frischer

تمرین ۱۰

1. heißer
2. lieber
3. schönste
4. weniger

تمرین ۱۱

1. meiner Schwester
2. Wegen des schlechten Wetters
3. Während der Pause
4. des Lehrers

تمرین ۱۲

1. für
2. auf
3. an
4. Woran
5. vor

تمرین ۱۳

1. mich
2. dir
3. uns
4. mir

تمرین ۱۴

1. ..., deshalb esse ich etwas.
2. ..., trotzdem gehen wir schwimmen.
3. Er spricht sowohl Arabisch als auch Türkisch.
4. Ich trinke weder Kaffee noch Tee.

تمرین ۱۵

1. anzurufen
2. zu finden
3. aufstehen (ohne zu)
4. übersetzen (ohne zu)

تمرین ۱۶

1. Ich fahre heute mit dem Bus zur Arbeit.
2. Kennst du den neuen Kollegen?
3. Ich habe ihn gestern nicht angerufen.
4. es dir

♦ پاسخ سؤال‌های متن‌های خواندنی

متن	پاسخ‌ها
۵.۱ (R/F)	R · ۲. F · ۳. F · ۴. R · ۵. F · ۶. R · ۱.
۵.۲ (a/b/c)	b · ۲. a · ۳. c · ۱.
۵.۳ (چه کسی؟)	Kamran · ۲. Leyla · ۳. Markus · ۴. Leyla · ۱.
۵.۴ (R/F)	R · ۲. F · ۳. R · ۴. F · ۱.

فلش کارت‌های آموزشی

Lernkarten zum Ausdrucken

۷۲ کارت در ۶ مجموعه. صفحه‌ها به صورت جفت چیده شده‌اند: هر صفحه «روی کارت» با صفحه «پشت کارت» بعدی‌اش جفت است.



راهنمای چاپ و استفاده 💡

- صفحه‌های فلش کارت را **دورو** و با گزینه «چرخش از لبه بلند» (Long edge) چاپ کنید؛ پشت کارت‌ها طوری قرینه شده‌اند که دقیقاً پشت روی خودشان قرار بگیرند. ۲. از روی خط‌چین‌ها ببرید. ۳. رنگ نوار بالای کارت جنس اسم را نشان می‌دهد: **آبی = der**
- قرمز = die** **سبز = das** ۴. روش لایتنر: کارت‌هایی را که بلد بودید به جعبه بعدی ببرید و آن‌هایی را که بلد نبودید فردا دوباره مرور کنید.

مجموعه ۱: اسم‌های مهم (Nomen) – روی کارت

اسم‌های مهم ۱-۱۰ die Bewerbung -en	اسم‌های مهم ۱-۲۰ der Termin -e	اسم‌های مهم ۱-۳۰ die Erfahrung -en
اسم‌های مهم ۱-۴۰ die Miete -n	اسم‌های مهم ۱-۵۰ die Verspätung -en	اسم‌های مهم ۱-۶۰ die Umwelt
اسم‌های مهم ۱-۷۰ das Angebot -e	اسم‌های مهم ۱-۸۰ die Rechnung -en	اسم‌های مهم ۱-۹۰ der Antrag -e
اسم‌های مهم ۱-۱۰۰ das Zeugnis -se	اسم‌های مهم ۱-۱۱۰ die Frist -en	اسم‌های مهم ۱-۱۲۰ die Beziehung -en

مجموعه ۱: اسم‌های مهم – پشت کارت

۱-۳ تجربه <i>Ich habe viel Erfahrung.</i>	۱-۲ وقت ملاقات <i>Ich habe einen Termin.</i>	۱-۱ درخواست شغل، اپلای <i>Ich schreibe eine Bewerbung.</i>
۱-۶ محیط زیست <i>Wir schützen die Umwelt.</i>	۱-۵ تأخیر <i>Der Zug hat Verspätung.</i>	۱-۴ اجاره‌بها <i>Die Miete ist hoch.</i>
۱-۹ درخواست رسمی <i>Ich stelle einen Antrag.</i>	۱-۸ صورت حساب <i>Die Rechnung, bitte!</i>	۱-۷ پیشنهاد / حراج <i>Äpfel sind im Angebot.</i>
۱-۱۲ رابطه <i>Wir haben eine gute Beziehung.</i>	۱-۱۱ مهلت <i>Die Frist endet morgen.</i>	۱-۱۰ کارنامه، مدرک <i>Wo ist mein Zeugnis?</i>

مجموعه ۲: فعل‌های مهم (Verben) – روی کارت

فعل‌های مهم ۲-۱۰ umziehen zog um – ist umgezogen	فعل‌های مهم ۲-۲۰ sich bewerben bewarb – hat beworben	فعل‌های مهم ۲-۳۰ kündigen kündigte – hat gekündigt
فعل‌های مهم ۲-۴۰ verpassen verpasste – hat verpasst	فعل‌های مهم ۲-۵۰ umsteigen stieg um – ist umgestiegen	فعل‌های مهم ۲-۶۰ sich erkälten erkältete – hat erkältet
فعل‌های مهم ۲-۷۰ überweisen überwies – hat überwiesen	فعل‌های مهم ۲-۸۰ beantragen beantragte – hat beantragt	فعل‌های مهم ۲-۹۰ vergleichen verglich – hat verglichen
فعل‌های مهم ۲-۱۰۰ bestehen bestand – hat bestanden	فعل‌های مهم ۲-۱۱۰ sich ausruhen ruhte aus – hat ausgeruht	فعل‌های مهم ۲-۱۲۰ vermeiden vermied – hat vermieden

مجموعه ۲: فعل‌های مهم – پشت کارت

۲-۳ استعفا دادن <i>Er hat gekündigt.</i>	۲-۲ درخواست دادن <i>Ich bewerbe mich um die Stelle.</i>	۲-۱ اسباب‌کشی کردن <i>Wir ziehen nach Bonn um.</i>
۲-۶ سرما خوردن <i>Ich habe mich erkältet.</i>	۲-۵ خط عوض کردن <i>Wir steigen in Köln um.</i>	۲-۴ جا ماندن از <i>Ich habe den Bus verpasst.</i>
۲-۹ مقایسه کردن <i>Vergleich die Preise!</i>	۲-۸ رسماً درخواست کردن <i>Ich beantrage ein Visum.</i>	۲-۷ واریز کردن <i>Ich überweise das Geld.</i>
۲-۱۲ اجتناب کردن <i>Vermeide Stress!</i>	۲-۱۱ استراحت کردن <i>Ruh dich aus!</i>	۲-۱۰ قبول شدن <i>Ich habe bestanden!</i>

مجموعه ۳: فعل + حرف اضافه (Verb + Präposition) – روی کارت

فعل + حرف اضافه ۳-۱۰ warten auf + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۲۰ denken an + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۳۰ sich freuen auf + Akk.
فعل + حرف اضافه ۳-۴۰ sich freuen über + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۵۰ sich interessieren für + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۶۰ sich kümmern um + Akk.
فعل + حرف اضافه ۳-۷۰ teilnehmen an + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۸۰ Angst haben vor + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۹۰ sich gewöhnen an + Akk.
فعل + حرف اضافه ۳-۱۰۰ abhängen von + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۱۱۰ sich erinnern an + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۱۲۰ sich beschweren über + Akk.

۳-۳	۳-۲	۳-۱
مشتاق (آینده) بودن <i>Ich freue mich auf Freitag.</i>	به ... فکر کردن <i>Ich denke an dich.</i>	منتظر ... بودن <i>Ich warte auf dich.</i>
۳-۶	۳-۵	۳-۴
مراقبت کردن از <i>Er kümmert sich um seine Mutter.</i>	علاقه داشتن به <i>Ich interessiere mich für Musik.</i>	خوشحال بودن از <i>Ich freue mich über die Blumen.</i>
۳-۹	۳-۸	۳-۷
عادت کردن به <i>Ich gewöhne mich an das Wetter.</i>	ترسیدن از <i>Sie hat Angst vor Hunden.</i>	شرکت کردن در <i>Ich nehme am Kurs teil.</i>
۳-۱۲	۳-۱۱	۳-۱۰
شکایت کردن از <i>Er beschwert sich über den Lärm.</i>	به یاد آوردن <i>Ich erinnere mich an ihn.</i>	بستگی داشتن به <i>Das hängt von dir ab.</i>

مجموعه ۴: کلمات ربط (Konnektoren) – روی کارت

کلمات ربط ۴-۱۰ weil Verb am Ende	کلمات ربط ۴-۲۰ obwohl Verb am Ende	کلمات ربط ۴-۳۰ deshalb Position 1
کلمات ربط ۴-۴۰ trotzdem Position 1	کلمات ربط ۴-۵۰ damit Verb am Ende	کلمات ربط ۴-۶۰ um ... zu + Infinitiv
کلمات ربط ۴-۷۰ als einmal, Vergangenheit	کلمات ربط ۴-۸۰ nachdem + Plusquamperfekt	کلمات ربط ۴-۹۰ bevor Verb am Ende
کلمات ربط ۴-۱۰۰ während Verb am Ende	کلمات ربط ۴-۱۱۰ sowohl ... als auch	کلمات ربط ۴-۱۲۰ weder ... noch

مجموعه ۴: کلمات ربط – پشت کارت

۴-۳ به همین دلیل ..., deshalb bleibe ich hier.	۴-۲ با اینکه ..., obwohl es regnet.	۴-۱ چون ..., weil ich müde bin.
۴-۶ برای اینکه ..., um Deutsch zu lernen.	۴-۵ تا اینکه ..., damit du es verstehst.	۴-۴ با این حال ..., trotzdem gehe ich.
۴-۹ قبل از اینکه Bevor du gehst, ...	۴-۸ بعد از اینکه Nachdem ich gegessen hatte, ...	۴-۷ وقتی که (یک بار در گذشته) Als ich klein war, ...
۴-۱۲ نه ... و نه weder Zeit noch Geld	۴-۱۱ هم ... و هم sowohl Tee als auch Kaffee	۴-۱۰ در حالی که Während ich koche, ...

مجموعه ۵: ترکیب‌های ثابت (Kollokationen) – روی کارت

ترکیب‌های ثابت ۵-۱۰ eine Entscheidung treffen	ترکیب‌های ثابت ۵-۲۰ eine Frage stellen	ترکیب‌های ثابت ۵-۳۰ einen Termin vereinbaren
ترکیب‌های ثابت ۵-۴۰ Bescheid sagen	ترکیب‌های ثابت ۵-۵۰ zur Verfügung stehen	ترکیب‌های ثابت ۵-۶۰ Rücksicht nehmen auf + Akk.
ترکیب‌های ثابت ۵-۷۰ in Frage kommen	ترکیب‌های ثابت ۵-۸۰ Sport treiben	ترکیب‌های ثابت ۵-۹۰ Erfahrungen sammeln
ترکیب‌های ثابت ۵-۱۰۰ sich Mühe geben	ترکیب‌های ثابت ۵-۱۱۰ Wert legen auf + Akk.	ترکیب‌های ثابت ۵-۱۲۰ Verantwortung übernehmen

مجموعه ۵: ترکیب‌های ثابت – پشت کارت

۵-۳ وقت گرفتن <i>Ich vereinbare einen Termin.</i>	۵-۲ سؤال پرسیدن <i>Darf ich eine Frage stellen?</i>	۵-۱ تصمیم گرفتن <i>Ich treffe eine Entscheidung.</i>
۵-۶ ملاحظه کردن <i>Nimm Rücksicht auf andere!</i>	۵-۵ در دسترس بودن <i>Ich stehe gern zur Verfügung.</i>	۵-۴ خبر دادن <i>Sag mir Bescheid!</i>
۵-۹ تجربه کسب کردن <i>Ich sammle Erfahrungen.</i>	۵-۸ ورزش کردن <i>Ich treibe gern Sport.</i>	۵-۷ مطرح بودن <i>Das kommt nicht in Frage!</i>
۵-۱۲ مسئولیت پذیرفتن <i>Sie übernimmt Verantwortung.</i>	۵-۱۱ اهمیت دادن به <i>Ich lege Wert auf Ruhe.</i>	۵-۱۰ تلاش کردن <i>Gib dir Mühe!</i>

مجموعه ۶: اصطلاحات (Redewendungen) – روی کارت

اصطلاحات ۶-۱۰	اصطلاحات ۶-۲۰	اصطلاحات ۶-۳۰
Ich verstehe nur Bahnhof.	die Katze im Sack kaufen	Schwein haben
اصطلاحات ۶-۴۰	اصطلاحات ۶-۵۰	اصطلاحات ۶-۶۰
jemandem die Daumen drücken	die Nase voll haben	um den heißen Brei herumreden
اصطلاحات ۶-۷۰	اصطلاحات ۶-۸۰	اصطلاحات ۶-۹۰
etwas auf die lange Bank schieben	Ende gut, alles gut.	den Nagel auf den Kopf treffen
اصطلاحات ۶-۱۰۰	اصطلاحات ۶-۱۱۰	اصطلاحات ۶-۱۲۰
ein Auge zudrücken	ins Fettnäpfchen treten	Übung macht den Meister.

مجموعه ۶: اصطلاحات – پشت کارت

۶-۳	۶-۲	۶-۱
شانس آوردن	هندوانه در بسته خریدن	هیچی سر در نمیارم!
۶-۶	۶-۵	۶-۴
حاشیه رفتن	کارد به استخوان رسیدن	برای کسی آرزوی موفقیت کردن
۶-۹	۶-۸	۶-۷
زدی تو خال!	شاهنامه آخرش خوش است.	امروز و فردا کردن
۶-۱۲	۶-۱۱	۶-۱۰
کار نیکو کردن از پر کردن است.	سوتی دادن	چشمپوشی کردن



Viel Erfolg!

موفق باشید!

یادگیری زبان مسابقه دو سرعت نیست، ماراتن است. هر روز کمی، اما بدون وقفه. وقتی این کتابچه را تمام کردید، دوباره به فصل گرامر برگردید؛ این بار خیلی چیزها را با چشم دیگری خواهید دید.

برای منابع رایگان بیشتر یادگیری زبان، به چربزبان سر بزنید

charbzaban.com